

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصہ کتاب مبانی جامعہ شناسی

نویسنده:

بروس کوئن

ترجمہ و اقتباس:

غلامعباس توسلی – رضا فاضل

فصل اول: کلیات

تعریف جامعه‌شناسی: مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها و نتایج و آثار رفتارهای اجتماعی

فلسفه اجتماعی نظام ارزش‌هایی است که به ما می‌گوید یک گروه از مردم چگونه باید جامعه خود را سازمان دهند و به چه صورتی رفتار نمایند.

جامعه‌شناسان سعی دارند تا نحوه زندگی کردن و کنش متقابل در گروه‌ها را به طور کلی و هر چه عینی‌تر که در ضمن با موازین علمی سازگار باشد، توصیف و تشریح کنند.

اهمیت مطالعه جامعه‌شناسی:

- ✓ نگاه تازه به محیط اجتماعی و مشخص کردن جایگاه خود در جامعه
- ✓ بررسی گروه‌هایی که با آنها کمتر یا اصلاً برخورد نداشته‌ایم
- ✓ محیط‌ها و فرهنگ‌های دیگر را که قبلاً اطلاع کمی از آنها داشته‌ایم، بشناسیم
- ✓ افزایش توانایی ما در فهم منشا نظرها و گرایش‌های متفاوت نسبت گرایش‌ها
- ✓ توانایی فهم نیروهای اجتماعی موثر بر رفتار ما و اطرافیان ما
- یکی از اهداف مهم جامعه‌شناسی، پیش‌بینی و کنترل رفتارهاست.
- مطالعه جامعه‌شناسی به ما کمک می‌کند که با کاهش پیش‌داوری‌ها و احکام قالبی، رفتار خود را با انعطاف بیشتری با موقعیت‌های جدید تطبیق دهیم.
- مطالعه جامعه‌شناسی انسان را آماده می‌سازد تا شیوه‌های تازه‌ای را برای مشاهده چهره متغیر واقعیت اجتماعی و واکنش مناسب نسبت به آن جستجو کند.

عقل سلیم: مشتمل بر عقاید روزمره است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

شهود: شیوه شناخت غریزی است. اغلب براساس اطلاعات کم و بیش متکی بر حافظه یا منابع نامشخص استوار است.

➤ شهود و عقل سلیم، هر دو جایگاه خاصی در جامعه‌شناسی دارند اما به تنهایی تکنیک خاص مناسبی برای پژوهش‌های جامعه‌شناسی نیستند.

علوم به دو شاخه زیر تقسیم می‌شود:

۱. **علوم طبیعی:** مربوط به مطالعه پدیده‌های طبیعی

۲. **علوم اجتماعی:** مربوط به مطالعه عرصه وسیع رفتارهای انسانی

جامعه‌شناسی همانند دیگر علوم اجتماعی به دو دلیل در مقایسه با رشته‌های علوم طبیعی، دقت کمتری دارد:

۱. روش‌های علمی در مطالعه رفتارهای اجتماعی، به تازگی به کار گرفته شده است.

۲. وقتی با موضوعات انسانی سر و کار داریم، با مسائل فراوانی روبرو می‌شویم. افراد، رفتارهای خود را پیوسته تغییر می‌دهند و این امر باعث تغییر در رفتار آنها با یکدیگر و دانش پژوهان می‌شود.

شرایط روش‌های پژوهشی:

۱. **قابلیت بررسی و آزمون:** مستلزم مشاهدات ملموس و واقعی است به طوری که صحت و سقم آن قابل بررسی و آزمون باشد.
۲. **طرد مطلق گرایی:** علم، هیچ حقیقت مطلقی را نمی‌پذیرد و دانشمند باید همواره آماده بررسی واقعیت‌های تازه باشد. حقیقت علمی باید حالت آزمایشی خود را حفظ کند؛ یعنی تجدیدپذیر باشد.
۳. **بی‌طرفی ارزشی:** دانش، پاسخ‌دهنده پرسش‌های مربوط به واقعیت است؛ یعنی دانش‌پژوه باید از لحاظ رسیدن به معرفت، همواره بی‌طرفی خود را حفظ کند.
۴. **عینیت:** جامعه‌شناس باید دید مستقل و غیرشخصی نسبت به موضوع مورد مطالعه خود داشته باشد و همه مشاهدات را بدون کم و کاست، ثبت و ضبط و از احکام قالبی پرهیز کند.
۵. **استفاده از روش‌های استاندارد شده و محکم:** جامعه‌شناس باید طرح دقیق و منظمی برای جمع‌آوری و توصیف‌های دقیق برای داده‌هایی که بررسی می‌کند داشته باشد.
۶. **مهارت در پژوهش:** مشاهده کنندگان آموزش ندیده ممکن است آنچه را مشاهده می‌کنند، به غلط تفسیر کنند.
۷. **کنترل موقعیت‌ها:** تجربه‌های علمی هنگامی میسر است که کلیه متغیرهای عمده به جز متغیر در حال بررسی، کنترل شود.

روش پژوهش‌های علمی:

۱. طرح یک فرضیه
۲. طرح پژوهش
۳. گردآوری داده‌ها
۴. تحلیل داده‌ها
۵. نتیجه‌گیری

سیر تاریخی جامعه‌شناسی:

- ✓ جوان‌ترین شاخه دانش اجتماعی است.
- ✓ نخستین بار، در سال ۱۸۳۸ آگوست کنت فرانسوی در ضمن دروس فلسفه اثباتی خود از واژه جامعه‌شناسی استفاده کرد.
- ✓ آگوست کنت، پدر علم جامعه‌شناسی است.
- ✓ کنت: جامعه‌شناسی را می‌توان بر بنیان مشاهده و طبقه‌بندی منظم، علمی استوار کرد.
- ✓ هربرت اسپنسر انگلیسی در سال ۱۸۷۶ نظریه "تطور اجتماعی" را مطرح کرد.
- ✓ اسپنسر، نظریه "تکامل" داروین را به جوامع بشری تعمیم داد.
- ✓ اسپنسر: فرآیند تکامل، حالت طبیعی دارد و انسان نباید در آن دخالت کند.
- ✓ لستر وارد آمریکایی در سال ۱۸۸۳ کتاب "جامعه‌شناسی پویا" را چاپ کرد.
- ✓ لستر وارد: پیشرفت اجتماعی از طریق کنش اجتماعی که جامعه‌شناسان هدایت می‌کنند، تایید می‌شود.
- ✓ امیل دورکیم در سال ۱۸۹۵ کتاب "قواعد روش جامعه‌شناسی" را چاپ کرد که در آن روش خودکشی در گروه‌های مختلف را تشریح کرد.

- ✓ دورکیم یکی از پیشگامان واقعی توسعه و رشد جامعه‌شناسی است.
- ✓ دورکیم: جوامع را باورهای مشترک و ارزش‌های مورد قبول اعضای آن تشکیل می‌دهد.
- ✓ ماکس وبر: روش‌های علوم طبیعی را نمی‌توان در مسائل مستخرج از علوم اجتماعی به کار گرفت.

فصل دوم: پژوهش‌های جامعه‌شناختی و رشته‌های تخصصی

فنون مورد استفاده در پژوهش‌های اجتماعی

۱. **آزمایش:** همه متغیرها به جز متغیر مستقل ثابت نگه داشته می‌شوند.
۲. **مشاهده:** از این جهت با آزمایش متفاوت است که جامعه‌شناس در آزمایش خود، متغیر مستقل را دخالت نمی‌دهد و فقط به مشاهده می‌پردازد بدون دخالت در جریان.
۳. **نمونه‌گیری:** زمانی به کار می‌رود که پژوهشگر به گردآوری داده‌ها می‌پردازد. معمولاً به صورت پرسشنامه یا مصاحبه انجام می‌شود.
۴. **مطالعه موردی:** هنگامی به کار می‌رود که پژوهشگر بخواهد برداشتی کامل و تفصیلی از پدیده مورد نظر خود داشته باشد. معمولاً هیچ فرضیه‌ای را اثبات نمی‌کند. اغلب به منزله منبعی برای شرح فرضیه یا نمونه‌ای برجسته از یک تعمیم کلی ارزشمند است.

آزمایش:

- ✓ پژوهشگر، برای فهم چگونگی تاثیر تغییرات متغیر مستقل بر نتایج آزمایش، موضوع مورد مطالعه خود را به یک گروه کنترل و حداقل یک گروه آزمایش تقسیم می‌کند.
- ✓ هدف از گروه کنترل، ایجاد مبنایی ثابت برای مقایسه است.

جامعه‌شناس به ۲ صورت می‌تواند گروه کنترل و آزمایش را انتخاب کند:

۱. **روش گزینش زوج‌های همانند:** در برابر هر شخص از گروه کنترل، یک فرد همانند او در هر کدام از گروه‌های آزمایش قرار گیرد که برحسب متغیرهای عمده، درست شبیه هم باشند.
۲. **فن گزینش تصادفی:** افراد برحسب تصادف آماری در هریک از دو گروه کنترل یا آزمایش پخش می‌شوند.

مطالعات مبتنی بر مشاهده:

- ✓ مطالعات مبتنی بر مشاهده همانند آزمایش، هم در خود جامعه و هم در آزمایشگاه صورت می‌پذیرد.
- ✓ تفاوت مطالعات مبتنی بر مشاهده و آزمایش در این نیست که جامعه‌شناس، متغیر مستقلی را برای تاثیر آزمایش بر افراد مورد مطالعه دخالت نداده و فقط مشاهدات منظمی را در موقعیت غیرساختگی کنونی ثبت و ضبط می‌کند.
- ✓ هرگاه مشاهدات منظم به صورت گزارشی توصیفی و غیررسمی خلاصه شود، آن را مطالعه برداشتی می‌نامند.
- ✓ پژوهشگر می‌تواند با موضوع مورد مطالعه تماس متقابل داشته یا نداشته باشد.

بررسی‌های نمونه‌ای:

انواع مصاحبه:

۱. **مصاحبه منظم:** برای هریک از پاسخگویان، پرسش‌ها به صورت منظم و یکنواخت مطرح می‌شود. چندان انعطاف‌پذیر نبوده اما به آسانی به صورت جدول‌های مقایسه‌پذیر در می‌آید

۲. **مصاحبه آزاد:** مصاحبه کننده از انعطاف بسیار و پاسخگو در پاسخ‌های خود از آزادی کافی برخوردار است. پرسش‌ها را میتوان به تفصیل توضیح داد و به پاسخ‌های مهم و معنی‌دار، فرصت بیشتری داده می‌شود. برخلاف مصاحبه منظم، اغلب به پاسخ‌هایی می‌انجامد که مقایسه آنها دشوار است.

مطالعه موردی:

✓ معمول‌ترین روش مشاهده میدانی.

✓ باید به ثبت و ضبط کامل و جامعه جزئیات و ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه پرداخته شود.

تأثیر عامل زمان بر پژوهش:

مطالعات مقطعی: مقایسه وضعیت موجود بین چندین گروه مختلف در یک زمان.

مطالعات طولی: پژوهشی است درباره یک فرد یا گروه که در سیر زمانی به نسبت طولانی انجام می‌گیرد.

کاربرد آمار:

میانگین: عبارت است از رقمی که از تقسیم جمع کل موارد بر تعداد افراد آن به دست می‌آید.

میان: عبارت است از عددی که درست در وسط توزیع آماری اعداد قرار دارد.

مد: عددی است که در توزیع اعداد، بیشترین تکرار را دارد.

ضریب همبستگی: رابطه میان دو یا چند سری متغیر را نشان می‌دهد. اگر این رابطه کامل باشد، ضریب آن ۱ + و اگر معکوس باشد، ضریب آن ۱ - و اگر هیچگونه همبستگی وجود نداشته باشد، ضریب آن صفر خواهد بود.

اعتبار: میزانی است که نشان می‌دهد داده‌های به دست آمده تا چه حد، واقعیت را در خود منعکس می‌کنند.

پایایی: عبارت است از میزان توافقی که پژوهشگران مختلف بر نتایج به دست آمده از پژوهش در مورد یک موضوع خاص دارند. محکی است که میزان درستی پژوهش را مشخص می‌کند.

مشکلات پژوهش‌های جامعه‌شناختی:

۱. **تغییر اوضاع اجتماعی:** تغییرات مداوم اوضاع اجتماعی، توجه به زمان و مکان را در همه گزارش‌ها ایجاب می‌کند. میزان دگرگونی در کوتاه مدت، در علوم اجتماعی ممکن است بسیار چشمگیرتر باشد.

۲. **مشکلات پژوهش:** طرح یک بررسی با حضور پژوهشگر به هنگام پژوهش، ممکن است بر رفتار افراد مورد مطالعه اثر بگذارد.

۳. **پیش‌بینی ناپذیری رفتار انسان:** جامعه‌شناس می‌تواند در مورد رفتار گروهی که فرد عضو آن است، پیش‌بینی‌های دقیق با استفاده از اصول احتمالات انجام دهد.

۴. **محدودیت‌های اخلاقی:**

۵. **محدودیت آزمایش‌ها:** جامعه‌شناس باید به هزینه‌های سرسام‌آور بعضی آزمایشات و آسیب‌هایی که ممکن است بر فرد مورد مطالعه وارد شود توجه کند.

جامعه‌شناسی محض: بدون توجه و نظر خاص به کاربردهای عملی، به جستجوی شناخت علمی می‌پردازد.

جامعه‌شناسی کاربردی: عبارت است از جستجوی دانشی که کاربردهای عملی داشته باشد.

◀ یکی از نخستین هدف‌های پژوهشگران جامعه‌شناس این است که روند تحولات جامعه را پیش‌بینی کنند به گونه‌ای که مردم بتوانند خود را با پیشرفت‌های آینده جامعه هماهنگ سازند.

فصل سوم: فرهنگ

فرهنگ: مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین

جامعه: گروهی از انسان‌ها که در طول هزاران سال به یکدیگر زندگی کرده و در سرزمینی معین سکنی گزیده‌اند و سرانجام، خود را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه‌های دیگر، سازمان داده‌اند.

ممكن نیست که فرهنگ، جدای از جامعه یا جامعه، جدای از فرهنگ باشد. هر جا که جامعه‌ای هست، فرهنگ منطبق بر آن نیز وجود دارد.

ارتباط نمادی:

- ✓ یکی از ویژگی‌های خاص انسان، توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین شکل است.
- ✓ اکتساب فرهنگ را آسان می‌کند.
- ✓ انتقال فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌سازد.

ارتباط نمادی آدمیان به ۳ شیوه اساسی صورت می‌گیرد:

۱. **زبان گفتاری:** عبارت است از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن. آموزش و ارتباطات را آسان می‌کند.
 ۲. **زبان نوشتاری:** عبارت است از ثبت تصاویری از گفتار. آموزش و حفظ میراث فرهنگی را تسهیل می‌کند.
 ۳. **زبان جسمانی:** از ادب عامیانه گرفته شده و به معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و بطور کلی ایما و اشاره است.
- هنجارهای فرهنگی:** معیارهای رفتارهای ثابتی هستند که گروه، به لحاظ فکری یا رفتاری، از افراد انتظار دارد یا آنها را تایید می‌کند و غالباً از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند.

۱. **ارزش‌ها:** احساسات ریشه‌دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریک هستند و این ارزش‌ها اعمال و رفتار جامعه را تعیین می‌کند.

۲. **آداب و رسوم:** آن دسته از شیوه‌های رفتاری است که در جامعه رواج دارد.

۳. **رسوم اخلاقی:** رسومی که ویژگی‌های معناداری از رفتارهای درست و نادرست را در بر می‌گیرند. رسوم اخلاقی هر جامعه، در نظام حقوقی و آموزش‌های مذهبی آن متبلور می‌شود.

قوانین، بخشی از رسوم اخلاقی هستند که به صورت قواعد و مقررات درآمده‌اند. هر کس بر خلاف این مقررات رفتار کند، با مجازات قانونی روبرو می‌شود.

فرهنگ آرمانی: آن است که الگوهای رفتاری آشکار و رسماً تایید شده را در بر می‌گیرد.

فرهنگ موجود (واقعی): آن چیزی است که عملاً بر جامعه حاکم است.

◀ کمتر اتفاق می افتد که عملکردهای کنونی زنان و مردان جامعه با الگوهای آرمانی رفتار، برای مدت زمان طولانی، متفاوت باقی بماند.

سازمان فرهنگ: هر فرهنگ به شیوه نظام یافته‌ای سازمان می‌یابد تا امکان روابط متقابل موثر را برای افراد و گروه‌ها فراهم کند.

عنصر فرهنگ: کوچکترین واحد فرهنگ اطلاق می‌شود که ممکن است یک عبارت، شی، حرکت یا نماد باشد.

مجموعه فرهنگی: مجموعه‌ای پیچیده از عناصر منسوب به آن فرهنگ می‌باشد.

نهاد: نظام روابط اجتماعی الگو شده و سازمان یافته‌ای است که در قالب آن، کارکردها و برآوردن نیازهای ضروری فردی و گروهی ممکن می‌شود.

✓ همه جوامع بشری، برای انجام کارکردهای ضروری و تامین نیازهای حیاتی اعضای خود، ۵ نهاد اجتماعی اساسی را بنیان نهادند:

۱. خانواده ۲. آموزش و پرورش ۳. سیاست ۴. اقتصاد ۵. دین

✓ افزون بر نهادهای بالا، جوامع جدید، نهادهای دیگری را نیز به این فهرست اضافه کرده‌اند (به طور مثال در آمریکا):

۱. نظامی ۲. تفریحی

خرده فرهنگ: گروهی کوچکتر از جامعه است. منسوب به فرهنگ وسیع تر است زیرا بسیاری از هنجارها و موازین فرهنگ بزرگتر را می‌پذیرد. از سوی دیگر، خرده فرهنگ از فرهنگ کل جامعه متمایز است زیرا برخی هنجارها و موازین خاص خود را دارد.

ضد فرهنگ: به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که با هنجارها و موازین فرهنگ غالب در جدال هستند و آن را شدیداً طرد می‌کنند.

وحدت فرهنگی: انسجام سازمانی و عملیاتی همه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی است که کارکرد واحدی دارند.

◀ برای اینکه فرهنگ به شکل موثر عمل کند و هدف‌های جامعه را تامین نماید، باید عناصر مختلف آن، به خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند.

قوم‌مداری: گرایشی است که بر حسب آن، افراد جامعه، فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران می‌پندارند. عادات‌ها و سنت‌ها، غالباً ما را با استفاده از وجهه‌نظرهای اجتماعی ریشه‌دار، به قوم‌مداری ترغیب می‌کند.

رابطه شخصیت و قوم‌مداری: اشخاصی که نسبت به نفع یک گروه معین تعصب نشان می‌دهند، غالباً گرایش دارند که بر ضد بسیاری دیگر از گروه‌ها نیز تعصب داشته باشند.

آثار مثبت قوم‌مداری:

✓ احساس مشروعیت گروه، وفاداری، میهن‌دوستی و ملیت‌خواهی فرد را تقویت می‌کند.

✓ قوم‌مداری با حفظ وضع موجود، به منزله نیرویی مقاوم در برابر دگرگونی‌ها نیز به کار می‌آید.

آثار منفی قوم‌مداری:

✓ غالباً مانع نوآوری‌های احتمالاً سودمند می‌شود (زیان‌بارترین اثر)

✓ قوم‌مداری افراطی به طرد غیر ضروری و بیهوده خرد و دانش فرهنگ‌ها منتهی می‌شود و از هرگونه مبادله فرهنگی و غنی - سازی فرهنگ خودی جلوگیری می‌کند.

نسبیت فرهنگی: شاید یک عنصر فرهنگی که برای ثبات یک جامعه زیان‌بار است، برای ثبات جامعه دیگر، ضروری و حیاتی باشد. ارزش هر رسم، بسته به سهمی است که در فرهنگ مربوط به خود دارد.

ضربه فرهنگی: فردی که تحت تاثیر محیط فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی می‌کند که در باورهای اساسی خود، با او وجه مشترکی ندارند، دچار ضربه فرهنگی می‌شود.

دگرگونی فرهنگی: هر جا که عناصر جدید و مجموعه‌های نو در فرهنگ ظاهر شود و بدین‌سان، محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهند، دگرگونی فرهنگی رخ می‌دهد. مقاومت در برابر دگرگونی هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که این دگرگونی‌ها با انحراف شدید از ارزش‌های سنتی و رسوم همراه باشد.

تاخر فرهنگی: هنگامی رخ می‌دهد که عناصر غیرمادی فرهنگ سعی دارند وضعیت خود را در میان دگرگونی‌های عناصر مادی فرهنگ حفظ کنند.

فرهنگ‌پذیری: فرهنگ‌هایی که با یکدیگر تماس مستقیم دارند، ممکن است یک عنصر فرهنگی را از فرهنگ دیگر بگیرند.

سرچشمه دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی: فناوری، مهمترین عامل موثر بر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی است. هرچه دگرگونی‌های فناورانه سرعت و شتاب بیشتری پیدا کند، دگرگونی‌های ناشی از آن بیشتر می‌شود. دیگر عوامل موثر بر میزان و سرعت دگرگونی، به قرار زیر است:

۱. **محیط طبیعی:** دگرگونی‌های ناگهانی و شدید در محیط طبیعی، کمتر رخ می‌دهد اما در صورت بروز، تاثیر عمیقی بر جای می‌گذارند. غالباً دگرگونی‌های محیط طبیعی به حدی کند و آرام است که تاثیر آنها بر حیات اجتماعی، نمود کمی دارد.

۲. **دگرگونی در جمعیت:** افزایش جمعیت ممکن است منجر به مهاجرت یا بهبود وضع تولید گردد و این، به خودی خود ممکن است به دگرگونی اجتماعی بینجامد.

۳. **نیازهای شناخته شده:** شرط دگرگونی اجتماعی این است که جامعه، نیازهای خود را بشناسد. نیازها، جنبه روانی و ذهنی دارد و همین که اوضاع تغییر کند، نیازهای تازه پدیدار می‌گردد.

فصل چهارم: پایگاه و نقش

پایگاه: به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند.

✓ پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند.

نقش: به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند.

✓ نقش‌های مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن، به فرد آموخته می‌شود و سپس او، آنها را می‌پذیرد.

پایگاه انتسابی: از آغاز تولد، به فرد محول شده و عمدتاً بر زمینه‌های خانوادگی نوزاد استوار است. جنسیت، دین، نژاد، ثروت و معیارهای اجتماعی، همگی از طریق خانواده به فرد منتقل می‌شود. پایگاه فرد بر نسب او مبتنی است نه بر شایستگی‌های فردی و نه آن چیزی که از طریق کار و کوشش به دست آورده است.

پایگاه اکتسابی: به موقعیتی اطلاق می‌شود که براساس تلاش و کاری که فرد از خود بروز داده یا استعدادها و مهارت‌هایی که از خود نشان داده است، استوار است.

ناهمسانی پایگاه: در جوامع صنعتی جدید که پایگاه‌ها هم جنبه انتسابی و هم جنبه اکتسابی دارند، فرد می‌تواند تعداد بسیاری پایگاه را در یک زمان دارا باشد. کسانی که در پایگاه‌های ناهمسان و یا متضاد قرار می‌گیرند، ممکن است با همانند کردن خود با هریک از پایگاه‌های متعارض و انکار وابستگی خود به پایگاه پایین‌تر واکنش نشان دهند و یا به کلی در هویت پایگاه خود سرگردان و معذب باقی بمانند.

نقش نمونه: سرمشق قرار دادن رفتار کسانی که برای ما ارزش خاصی دارند.

✓ نقش‌های نمونه، در فرآیند آموزش بسیار کمک می‌کند زیرا فرد را با الگوهای رفتاری پذیرفته شده در موقعیت‌های مختلف آشنا می‌سازد.

گروه‌های مرجع: یکی از معیارها و الگوهایی است که هرکس، نقش خود را در یک موقعیت معین، براساس آن ارزیابی می‌کند. ایفای نقش هر فرد، با مقایسه نقش او با کسانی که وظیفه‌ای مشابه او دارند ارزیابی می‌شود.

✓ الگوی مناسبی برای ارزیابی شیوه ایفای نقش می‌باشد.

نقش محول: شیوه ایفای نقش طبق انتظارات جامعه است.

نقش محقق: شیوه‌ای است که فرد در عمل، در ایفای یک نقش معین به کار می‌برد.

دلایل مغایرت نقش محول و نقش محقق:

۱. عدم شناخت صحیح فرد از آنچه ایفای یک نقش اقتضا می‌کند.
۲. تمایل فرد به عدم انطباق نقش خود با الزامات و انتظارات دیگران.
۳. ناتوانی فرد در ایفای صحیح یک نقش

شخصیت و ایفای نقش: برای آن که شخصی بتواند نقشی را به درستی ایفا کند، باید دارای شخصیتی باشد که او را به انجام آن نقش هدایت کند.

✓ بیشتر افراد در اجرای نقش محول خود که بخشی از زندگی آنان را از بدو تولد تشکیل می‌دهد، کمتر دچار مشکل می‌شوند. با این وجود، ایفای نقش اکتسابی هنگامی به آنان واگذار می‌شود که شخصیت آنان تا حدی شکل گرفته باشد.

دلسردی از نقش: حالتی که در آن، فرد، نقش خاصی را به رغم میل و احساسات شخصی ایفا می‌کند. ✓ این حالت هنگامی رخ می‌دهد که آن نقش، اولویت خاصی در زندگی فرد ندارد و شخص به جای آن که نقش را در دل خود جایگزین کند،

✓ آن را تنها به این دلیل ایفا می‌کند که ضرورت ایجاب می‌کند یا دیگران از او انتظار دارند. ✓ ایفای نقش در این حالت، غالباً همراه با فشارهای روانی است و تا جایی ادامه دارد که فرد، اولویت‌های خود را تغییر داده و نقش خود را به عنوان امری مطلوب‌تر، از نو پذیرا شود.

فشار نقش: فرد در انجام نقشی که از او انتظار می‌رود، دچار مشکل می‌شود و این به دلیل تعارض نقش‌ها و وظایف و انتظاراتی است که در قبال آن نقش وجود دارد. این تعارضات هنگامی ظاهر می‌شود که:

۱. طرف مقابل نقش، انتظارات متفاوتی از دارنده نقش دارد.

۲. زمانی که شخص پایگاهی را اشغال می‌کند که مستلزم یک سلسله الگوهای رفتاری متفاوتی است که در آن لحظه، ممکن است با یکدیگر در تعارض باشند.

شکست در ایفای نقش: اغلب اتفاق می‌افتد که افراد، بیشتر در ایفای نقش محقق یا اکتسابی خود دچار شکست می‌شوند به این دلیل که در جوامع صنعتی، گاهی یک فرد ضرورتاً چندین نقش را ایفا می‌کند.

✓ افرادی که قادر نیستند در پایگاه مشخصی باشند و به این دلیل هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند، هرگز شکست نمی‌خورند.

تعارض نقش‌ها: هنگامی که شخص با یک یا چندین نقش که مستلزم انجام رفتارهای متناقض یا متعارض است سر و کار دارد. ✓ از ویژگی‌های جوامع جدید صنعتی عضویت در گروه‌های متعدد است.

شبکه نقش‌ها: به مجموعه روابط و مناسباتی اطلاق می‌شود که شخص با افراد دیگری که با آنان در تماس است، برقرار می‌کند.

نمایش (بازی) نقش‌ها:

تعریف اول: فردی آگاهانه می‌کوشد نقشی را به طور کامل انجام دهد تا دیگران را تحت تاثیر قرار دهد.

تعریف دوم: هرگاه فرد کوشش آگاهانه‌ای به عمل آورد تا تصویر مطلوبی را از خود نشان دهد و این تصویر را حضار یا مخاطبان بپذیرند.

فصل پنجم: پرورش اجتماعی و شخصیت

اجتماعی شدن: فرآیندی است که به انسان، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردیو به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد.

هنجار: نظامی از الگوهای رفتار آموخته شده که دیگر اعضای یک فرهنگ، در آن سهیم هستند.

✓ افراد بشر با درونی ساختن فرآیند اجتماعی شدن، می‌آموزند که چگونه به نیازهای زیستی به نحوی که از لحاظ اجتماعی پذیرفتنی باشد، پاسخ بگویند.

◀ فرآیند اجتماعی شدن، در آغاز تولد و با مراقبت‌های اولیه از نوزاد آغاز می‌شود.

اهداف بنیادی اجتماعی شدن:

۱. شخص باید مهارت‌های ضروری زندگی را که برای زندگی در جامعه ضروری است، فرا بگیرد.

۲. شخص باید بتواند به صورت موثری با دیگران، ارتباط برقرار کند و توانایی خواندن، نوشتن و سخن گفتن پیدا کند.

۳. فرد باید بتواند نیازهای بدنی خود همچون قضای حاجت را به شیوه‌های قابل قبول جامعه درآورد.

۴. فرد باید ارزش‌ها و اعتقادات اساسی جامعه را در ذهن خود متمرکز کند.

خود: فرد در حین اجتماعی شدن می‌آموزد که خود را یک ذات جدا، مشخص و مستقل در نظر بگیرد و از همه اشخاص و اشیا متمایز کند. خود، دارای یک هویت مشخصی است که دیگران در برابر او واکنش نشان می‌دهند.

✓ نوزاد انسان هنگام تولد، مفهومی از خود ندارد و در واقع، در فرآیند اجتماعی شدن، از هویت خود، آگاه می‌شود.

◀ تصویر فرد از خود، سهم مهمی در مشخص ساختن چگونگی نقشی که او ایفا می‌کند، دارد.

◀ اعتماد به نفس فرد در انجام دادن هر کار، اثر فراوانی بر انجام موفقیت آمیز آن عمل می‌گذارد.

خود آینه‌سان (نظریه‌ای از هارتون کولی): منظور از آینه که فرد خود را در آن می‌بیند، جامعه است که می‌توانیم در آن، واکنش‌های دیگران را در برابر اعمال و رفتاری که انجام می‌دهیم، ملاحظه کنیم.

✓ اگر تصویری که از خود پیدا می‌کنیم مناسب باشد، مفهوم خود ارتقا می‌یابد و رفتار تقویت می‌شود. چنانچه اگر تصویر ما از خود ناجور باشد، مفهوم آن در نزد ما احتمالاً به پستی گرایش پیدا کرده و رفتارهای متفاوتی را بروز خواهیم داد.

دگری عام (مبدع: جرج هربرت مید): ترکیبی از انتظاراتی است که فرد گمان می‌کند دیگران از او دارند. در واقع شخص، خود را به نحوی می‌سنجد که گویی شخص دیگری است.

✓ فرد با فرآیند "نقش‌پذیری" و "بازی کردن نقش"، از "دگری تعمیم یافته"، خودآگاهی بیشتری می‌یابد.

بر عهده گرفتن نقش: توسعه مهارت در برقرار کردن ارتباطات در فرد، کودک را قادر می‌سازد که نقش دیگری را به عهده بگیرد و به شیوه‌ای عمل کند که با نقش دیگری سازگار باشد.

دگری موثر و بانفوذ: اشخاصی که تاثیر عمده‌ای بر وجهه نظر افراد می‌گذارند.

✓ بیشتر مردم می‌کوشند رضایت و خشنودی دگری موثر را جلب و از نصایح و دستورات آنان تبعیت کنند.

من اجتماعی: انعکاس و بروز هنجارها و ارزش‌های جامعه در فرد است.

من فردی: معرف جنبه شخصی و منحصر به فرد شخص است.

✓ من فردی به صورت وسیعی تحت تاثیر محرک‌های آنی و در عین حال سرکش و غیرعادی قرار دارد.

✓ جرج هربرت مید، خود را به من فردی و من اجتماعی تقسیم می‌کند.

انواع اجتماعی شدن:

۱. **رسمی:** نهادهای آموزشی و نظامی که به صورت دستگاه ساخت‌یافته‌تری، مسئول انتقال شیوه‌های پذیرفتنی عمل و اندیشه جامعه به فرد است.

۲. **غیررسمی:** اجتماعی شدن از طریق روابط متقابل با گروه‌های هم‌بازی یا عضویت در گروه‌های غیررسمی و باشگاه‌ها.

عوامل اجتماعی شدن:

۱. خانواده:

✓ فرآیند اجتماعی شدن کودک، از خانواده شروع می‌شود.

✓ تصویر "خود" در نزد کودک، انعکاسی احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند.

✓ تصویری که فرد از "خود"، "جهان" و "افراد پیرامون" خود دارد، تحت تاثیر مستقیم باورهای خانواده‌اش می‌باشد.

✓ ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های مختلفی که از او انتظار می‌رود تا ایفا کند، در درون روابط خانوادگی آموخته می‌شود.

۲. مدرسه:

✓ در جوامع ابتدایی، خانواده، مسئول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودک است و در جوامع پیشرفته، مدرسه.

✓ نخستین دستگاهی است که مسئولیت انتقال دانش‌های انباشته شده را به کودک دارد.

۳. گروه‌های هم‌سالان:

✓ اینگونه گروه‌ها پس از خانواده، احتمالاً مهمترین و موثرترین عامل اجتماعی شدن کودک است.

✓ به دلیل هم‌سن بودن و احساس برابر کردن، معمولاً از معیارهای مشترکی که به اشخاص مسئول گروه مرتبط است، پیروی می‌کنند.

✓ در دوران بلوغ، به اوج اهمیت و تاثیر خود می‌رسد. در این هنگام، کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن، یکی از اهداف مهم نوجوانان است.

۴. رسانه‌های جمعی:

✓ در غالب کشورهای صنعتی، نقش مهم را در فرآیند اجتماعی شدن بازی می‌کنند.

✓ هم می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم می توانند آنان را آشفته سازند.

✓ تنها یکی از منابع تعیین هنجارهای اجتماعی است که در اختیار و دسترس افراد می باشد و نه همه آن.

شخصیت: به همه خصلت ها و ویژگی هایی اطلاق می شود که معرف رفتار یک شخص است از جمله اندیشه، احساسات، ادراک از خود، وجهه نظرها، طرز فکر و بسیاری از عادات.

✓ اطلاق ویژگی شخصیتی به جنبه خاصی از کل شخصیت آدمی اطلاق می شود.

عوامل موثر بر رشد شخصیت:

۱. وراثت:

✓ ویژگی های جسمانی موروثی در انسان، بر رشد اولیه شخصیت کودک موثر است.

✓ بخشی از تشابه در شخصیت افراد را می توان با ویژگی های مشترک وراثتی توجیه کرد.

۲. محیط طبیعی:

✓ افراد تا حد وسیعی، سطح کارایی خود را که برای حفظ حیاتشان ضروری است، از محیط می گیرند.

۳. فرهنگ و شخصیت:

✓ هر جامعه برای آن که بتواند در غالب فرهنگ معینی زندگی کرده و ارتباط متقابل و هماهنگی داشته باشد، گونه های شخصیتی خاصی را که با فرهنگ آن جامعه هماهنگی دارد، پرورش می دهد.

۴. تجربه های فردی و گروهی:

✓ شخصیت انسان در حد وسیعی، به منزله حاصل تجربه فرد در قالب گروه خود رشد می کند.

✓ بدون تجربه های گروهی، شخصیت فرد رشد نمی کند.

منش ملی: به شخصیت بنیادین مردم یک ملت اطلاق می شود.

✓ چنانچه منش ملی درست فهمیده شود، می توان پیش بینی کرد اعضای یک جامعه معین، چگونه به موقعیت ها و اوضاعی که با آن مواجه می شوند، پاسخ می دهند.

✓ اجتماعی شدن از دوران کودکی تا سنین بالا، یک فرآیند مستمر و مداوم است.

فصل ششم: گروه‌های اجتماعی

گروه: مرکب از تعدادی از اعضای انسان‌هاست که با یکدیگر روابط متقابل داشته و از عضویت خود در یک جمع که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند، آگاهند.

گروه‌های بنیانی:

۱. هرگونه تجمع انسانی که افراد در کنار هم قرار گرفته باشند که به آن تجمع یا جمع می‌گویند: تماشاچیان فوتبال و صف خرید.
۲. به تعدادی از افراد اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند و به آن مقوله یا رده می‌گویند: گروه هم‌سالان.
۳. تعدادی از افراد که در نوعی الگوی سازمان‌یافته روابط متقابل و منظم، سهیم‌اند: اعضای اتحادیه محلی یا باشگاه ورزشی.

گروه اختیاری: فرد، گروهی را انتخاب می‌کند و شخصا به عضویت در آن علاقه‌مند است: دانشجویان، اعضای خانواده و حزب.

گروه غیراختیاری: افراد بدون انتخاب خود، در یک گروه قرار گرفته‌اند: سربازان اعزامی به ارتش، بیماران بیمارستان.

درون گروه: عبارت از تعداد افرادی است که فرد، خود را متعلق به آنها دانسته و در حضور آنان، احساس راحتی و خودمانی بودن می‌کند.

✓ احساس خودمانی کردن، معمولا حاصل تجربه‌های مشترک و همگانی اعضای گروه است.

✓ مرزهایی که اعضا را از غیر اعضا مشخص می‌کند، ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد.

✓ مرزهای رسمی می‌تواند کارت عضویت یا لباس متحدالشکل و سایر علائم و نشانه‌ها باشد.

✓ عضویت در گروه، براساس ملاک از پیش تعیین شده می‌باشد.

برون گروه: عبارت از افرادی است که شخص بین خود و آنان، منافع مشترکی نمی‌بیند. چنین شخصی به ظاهر اطمینان دارد که به آن افراد تعلق ندارد.

فاصله اجتماعی:

✓ برای آن به کار می‌رود که میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی را که اعضای یک گروه در قبال اعضای گروه دیگر دارند، بسنجیم.

✓ اغلب برای سنجش درجه صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه‌های مختلف نژادی و قومی و رابطه بین اعضای آنها به کار می‌رود.

مفاهیم گم‌نشافت و گزلفافت:

✓ فردینان تونیس، جامعه‌شناس آلمانی، این مفاهیم را برای بیان دو نوع رابطه اجتماعی مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

✓ گم‌نشافت در معنای عام، معرف اجتماع محلی و گزلفافت، معرف جامعه است.

- ✓ در گمیشافت، پیوندهای نزدیک و صمیمانه و علاقه شخصی، روابط اعضا را مشخص می‌کند و افراد، به سلامت، رفاه، اعتماد متقابل و همکاری با یکدیگر توجه خاص دارند.
- ✓ در گزلفافت، روابط بر مبنای رقابت، دنبال کردن منافع شخصی، کارایی فردی، پیشرفت و تخصص‌گرایی مبتنی است.
- ✓ به اعتقاد تونیس، با رشد شهرنشینی می‌توان رشد روابط گزلفافت را ملاحظه کرد.

مسائل پیش روی گروه‌ها (رابرت بیلز):

۱. هر گروه باید بداند که چگونه خود را با عوامل خارج از گروه که بر کارکرد آن تاثیر می‌گذارد، سازگار و منطبق کند.
۲. گروه باید نظارت خود را بر عوامل داخلی که آن را به هدف‌هایش نزدیک می‌کند، حفظ کند.
۳. لازم است نظارت خاصی بر احساسات اعضای گروه وجود داشته باشد.
۴. باید بین اعضای گروه، امکان حفظ یکپارچگی به صورت مطلوبی وجود داشته باشد.

ساخت رسمی: با قواعد، نظام‌ها و موقعیت‌هایی که نقش‌های اعضای آن را تعریف می‌کند، مشخص می‌شود.

- ✓ ساخت رسمی مبتنی بر اساسنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، مصوبه‌ها و نمودار سازمانی زنجیره فرماندهی است که سلسله مراتب را مشخص می‌کند.

مختصات عمده سازمان‌های رسمی:

۱. الگوهای ثابت ارتباطات
 ۲. اعمال انضباط و نظم رسمی
 ۳. مشخص و تفکیک کردن مسئولیت‌ها و وظایف تخصصی
 ۴. سلسله مراتب به رسمیت شناخته شده قدرت
 ۵. اعمال پاداش‌ها و مجازات‌های مثبت و منفی از قبل تصویب شده برای تشویق و تنبیه اعضا
- ✓ یکی از ضعف‌های عمده سازمان‌های رسمی این است که اغلب، وسایل دستیابی به هدف از خود هدف، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و وسیله، خود هدف می‌شود.

مزیت‌های ساخت غیررسمی:

۱. به افراد انعطاف‌پذیری می‌دهد و بدون انتظار برای تصمیمات رسمی در مورد تغییرات سازمانی، امکان سازگاری با اوضاع متغیر را فراهم می‌سازد.
۲. اعضای سازمان، یکدیگر را می‌شناسند و روابط شخصی بین آنان برقرار می‌شود و احتمال دارد ساخت‌های غیررسمی محدودتر، در درون ساخت رسمی وسیع‌تر توسعه یابد.
۳. امکان حل مسائل به وجود آمده با شیوه‌هایی به جز قوانین و مقررات رسمی.

رهبری گروه: از میان اعضای گروه ممکن است یک فرد، موقعیتی به دست آورد که بر رفتار دیگران، تاثیر بگذارد و آنان را زیر نفوذ و رهبری خود در آورد.

۱. **رهبری تخصصی و ابزاری:** آن نوع رهبری که گروه را سازمان داده و اداره می‌کند. اهداف گروه را در نظر دارد و از مسئولیت خود در طراحی وسایلی که برای رسیدن به اهداف به کار می‌رود، کاملاً آگاه است.

۲. **رهبری ارشادی:** آن نوع رهبری که گرایش‌های خوب و هماهنگی را در میان گروه ایجاد می‌کند. ✓ در رهبری ارشادی، روحیه گروه در بالاترین سطح حفظ می‌شود و ناهماهنگی داخل گروه به حداقل رسیده و از هرگونه شکاف در داخل گروه جلوگیری می‌شود.

سبک‌های رهبری:

۱. **مقتدر:** همه تصمیمات را شخصا می‌گیرد و به دیگران دستور می‌دهد که فقط تصمیم‌هایش را اجرا کنند.

۲. **دموکراتیک:** اندیشه‌ها و پیشنهادهای اعضای گروه را برای رسیدن به اهداف گروه و سازمان، مبنای تصمیمات خود قرار می‌دهد و تصمیم‌ها براساس اتفاق نظر گروه گرفته می‌شود.

۳. **بی‌قید:** معمولاً به دنبال منافع خاصی است و اداره سازمان به بهترین نحو ممکن، برای او در اولویت نیست.

گروه‌های مرجع:

✓ اهمیت آن در الگو قرار دادن معیارهای آنان برای داوری و ارزیابی از "خود" است.

✓ ضرورتی ندارد که برای ارجاع به یک گروه مرجع، خود ما، در آن گروه عضو باشیم. گروه مرجع ممکن است غیر از گروهی باشد که ما، به آن تعلق داریم.

گروه‌های همدرد: از افرادی تشکیل شده است که در یک مصیبت، اندوه یا مشکل شریک‌اند و برای تسلی خاطر خود و کمک متقابل برای رفع مشکل، باهم متحد می‌شوند: افراد الکلی، معتاد، معلول، زلزله زدگان.

✓ منسوبین اعضای این گروه‌ها ممکن است به صورت یک گروه معالج یا همدرد وارد عمل شوند.

گروه‌های صمیمی: ممکن است از افرادی تشکیل شود که با داشتن نیازهای بسیار گوناگون، توجه‌شان به تحکیم حس مودت و تفاهم متقابل عاطفی، معطوف گردد.

✓ هدف آنان این است که به طور عینی‌تری خود را بشناسند و خودآگاهی و اعتماد متقابل بین خود را تقویت کنند تا در روابط متقابلشان، احساس راحتی خیال بیشتری داشته باشند.

✓ اعضای گروه‌های صمیمی، عواطف و احساسات خود را با زبان و از صمیم قلب نسبت به یکدیگر ابراز می‌دارند.

فصل هفتم: نهادهای اجتماعی

نهاد: نظامی به نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه، در بر می گیرد.

خصوصیات نهادهای اجتماعی:

۱. اولین هدف هر نهاد، ارضای نیازهای اجتماعی معینی است.
 ۲. نهادها، متضمن ارزش های نهایی است که اعضا در آن مشارکت دارند.
 ۳. نهادها به طور نسبی، پایداری تا حدی که الگوهای ثابت رفتار در درون نهادها، به صورت بخشی از سنت و فرهنگ مرسوم جامعه در آمده است.
 ۴. بنیان های اجتماعی نهادها آنچنان گسترده و عام است که فعالیت های آن، جایگاه عمده ای را در جامعه به خود اختصاص می دهد به طوری که هر تغییر چشمگیری در نهاد، احتمالاً موجب تغییر در دیگر نهادها می شود.
 ۵. هریک از نهادها به تنهایی، مبنای شبکه ای از هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به حد اعلا ساخت و سازمان یافته است.
 ۶. آرمان های یک نهاد، را معمولاً بخش عظیمی از اعضای جامعه، چه مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند، پذیرفته اند.
- نهادی شدن:** فرآیند توسعه نظامی از هنجارها، پایگاه ها و نقش های مشخص و به هم پیوسته است که جامعه، آن را پذیرا باشد.
- ✓ از طریق نهادی شدن، رفتارهای خودانگیخته و پیش بینی ناپذیر، جای خود را به رفتار نظام یافته و پیش بینی پذیر می دهد.
- ✓ در درون هر نهاد معین ممکن است افراد، سازمان یا انجمن تشکیل دهند تا بتوانند به صورت موثرتر، نقش های خود را با سازمان یافتگی لازم ایفا کنند.

کارکردهای بنیانی نهادها:

کارکردهای آشکار: آن نوع کارکردهایی که که ظاهر و آشکار بوده و برای اعضای جامعه شناخته و پذیرفته شده است.

کارکردهای پنهان: آن نوع کارکردهایی که کمتر، خود را نشان داده و حتی ممکن است از سوی اعضای جامعه مورد تایید نباشند.

کارکردهای عمده نهادها:

۱. الگوهای رفتارهای شایسته اجتماعی را در موقعیت های مختلف، در اختیار افراد قرار می دهند و از طریق فرآیند اجتماعی شدن شیوه درست و نادرست رفتار را به افراد منتقل می کنند.
۲. نقش های گوناگونی را برای افراد و رفتارهای ویژه ای را برای فرد مشخص می کنند.
۳. با تکیه بر ثبات و استمرار فرهنگ، به افراد جامعه می آموزند که بهترین شیوه رفتار، همان رفتار نهادی شده است و افراد، به شیوه های نهادی شده به منزله شیوه های خاص رفتار، انس می گیرند.
۴. در جهت تنظیم رفتارها و نظارت بر آنها عمل می کنند. چون نهادها انتظارات پذیرفته شده جامعه را فرا می گیرند، نادیده انگاشتن این انتظارات ممکن است به مجازات فرد بینجامد.

شرایط جابجایی کارکرد در نهادها:

۱. نهاد، در برآوردن یک نیاز معین، دچار ناتوانی شود.
 ۲. چند نهاد قادر به برآوردن یک نیاز باشند اما یکی از آن نهادها، به صراحت نشان دهد که آن نقش را به شکل بهتری ایفا می‌کند.
- ✓ جابجایی کارکرد از یک نهاد به نهاد دیگر، در بسیاری از موارد، راه حل نارسایی و قصوری است که یک نهاد از خود نشان داده است.

خصوصیات مشترک نهادها:

۱. **نمادهای فرهنگی:** با نشانه‌هایی مشخص می‌شود که یادآور حضور یک نهاد به شمار می‌رود که می‌تواند مادی یا غیرمادی باشد.
 ۲. **قواعد رفتار:** در برگیرنده مقررات رسمی و سنن غیررسمی رفتار است که برای برخی نقش‌ها مناسب‌اند.
- ✓ در صورتی شخص می‌تواند به صورت موثرتری به نقش نهادی خود عمل کند که آن نقش را در طول فرآیند اجتماعی شدن، به خوبی فرا گرفته باشد.
۳. **اصول اعتقادی:** نظامی از افکار مرتبط به هم است که اعضای یک گروه به وطر دسته‌جمعی در آن مشارکت دارند.
- ✓ معمولاً ایدئولوژی، توجیه‌کننده منافع خاص اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی یا سیاسی گروه خاصی است و جهان را بر حسب دیدگاه‌های پذیرفته گروه، تفسیر و توجیه می‌کند.

فصل هشتم: نهاد خانواده

خانواده: گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده و برای مدتی طولانی و نامشخص باهم زندگی می‌کنند.

تک همسری: عبارت است از ازدواج یک زن با یک مرد.

✓ شایع‌ترین صورت زناشویی، تک همسری است.

خانواده هسته‌ای: عبارت است از واحد خانوادگی بنیانی که شامل شوهر، زن و فرزندان است.

✓ نام دیگر آن، خانواده "زن و شوهری" است.

خانواده گسترده: براساس مناسبات خونی، شمار زیادی از افراد از جمله والدین، فرزندان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، عموها، عمه‌ها،

خاله‌ها، دایی‌ها و فرزندان آنها را شامل می‌شود.

✓ نام دیگر آن، خانواده "هم‌خون" است.

خانواده پدر مکان: اقامتگاهی است که زوج جدید، با خانواده شوهر در آنجا ساکن شده و باهم زندگی می‌کنند.

خانواده مادر مکان: اقامتگاهی است که زوج جدید، با خانواده زن در آنجا ساکن شده و باهم زندگی می‌کنند.

خویشاوندی: شبکه نسبتا وسیعی از روابط بین افراد که از طریق نسبی یا سببی و از طریق فرزندپذیری، به یکدیگر مرتبط‌اند.

◀ عمده‌ترین پیامد و نتیجه حرکت از خانواده سنتی روستایی به سمت خانواده شهری و صنعتی جدید، تحول از نظام

خویشاوندی گسترده به خانواده هسته‌ای غالب بوده است.

دلایل سست شدن پیوندهای خانواده‌های گسترده:

۱. فرد در جامعه شهری باید از لحاظ جغرافیایی پیوسته جابجا شود.

۲. گروه‌های رسمی برای حل مسائل و مشکلات مردم، جای گروه‌های خویشاوندی و سنتی را گرفته‌اند.

۳. افراد فرصت پیدا کرده‌اند با کار و تلاش، پایگاه مطلوب و دلخواه خود را در جامعه به دست آورند.

روش‌های همسرگزینی:

۱. براساس عشق و علاقه

✓ این روش، یک ویژگی فرهنگی غرب است.

✓ بسیاری از جوامع، ازدواج مبتنی بر عشق را یک پیش‌نیاز ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند.

✓ کارایی آن، این است که به جوانان کمک می‌کند که عواطف و محبتی را که خانواده به آنان مبذول کرده، به زندگی تازه

منتقل کنند.

کارکردهای خانواده:

۱. نظم بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل:

✓ هدف عملی روابط جنسی، جایگزین ساختن اعضای جامعه و استمرار نسل‌های مختلف از طریق زاد و ولد طبیعی است.

۲. مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان:

✓ خانواده در مرحله نخست، مسئول نگهداری کودک از لحاظ جسمانی و اقتصادی است.

✓ خانواده‌ها به لحاظ سنتی، مسئول نگهداری از معلولان و تامین معیشت سالمندان است.

۳. اجتماعی کردن کودکان:

✓ در طول حیات بشری، نخستین موسسه برای اجتماعی کردن جوانان و نوجوانان، خانواده بوده است.

۴. تثبیت جایگاه اجتماعی و تعیین پایگاه‌ها:

✓ ۳ نوع از نخستین قواعد تبار موجود در جوامع عبارتند از پدر تباری، مادر تباری و دو تباره.

۵. فراهم کردن امنیت اقتصادی:

جمع‌بندی کارکردهای خانواده:

✓ خانواده در جوامع صنعتی، فقط واحد مصرف کننده تولیدات اقتصادی است نه تولیدکننده آنها.

✓ به دلیل تخصصی شدن کارها، خانواده، خیلی از کارکردهای خود را از دست داده و به دیگر نهادها واگذار کرده است.

✓ به دلیل تخصصی شدن تقسیم کار، هر شخص ملزم به انجام یک وظیفه اقتصادی معین است.

دلایل افزایش طلاق:

✓ زن و شوهر برای تولید ضروریات زندگی و خدمات لازم، به خانواده وابسته نیستند.

✓ طلاق در جوامع شهری و صنعتی، قبح کمتری دارد. یک راه حل اجتماعی پذیرفته شده است.

✓ تشریفات و مقررات دادگاه‌ها در سرعت بخشیدن به آن، کاهش پیدا کرده است.

✓ شاید عمده‌ترین دلیل آن، توقعات بسیاری است که هریک از زوجین داشته یا دارد.

عوامل موثر بر کاهش حجم خانواده‌ها:

✓ تغییر در نقش فرزندان

✓ بالا رفتن مستمر سطح آموزش و پرورش

✓ توزیع وسیع وسایل جلوگیری از بارداری

فصل نهم: نهاد آموزش و پرورش

آموزش و پرورش: به عمل یا فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت‌های مطلوب رفتار یا منش، به فرد آموخته می‌شود.

✓ هدف اصلی آموزش و پرورش علاوه بر اجتماعی شدن فرد، انتقال دانایی است.

دیدگاه‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی درباره آموزش و پرورش:

۱. کارکردگرایی:

کارکردهای آموزش و پرورش:

الف) انتقال فرهنگی:

✓ برای ادامه حیات یک جامعه، باید انتقال فرهنگی صورت گیرد که نهاد آموزش و پرورش به با انتقال آن، به این امر کمک می‌کند.

ب) همبستگی اجتماعی:

✓ آموزش‌های رسمی، افراد با سوابق قومی و فرهنگی مختلف را تا حدی به افرادی دارای هویت ملی مشترک تبدیل می‌نماید.

ج) انتخاب استعدادها برای برتر و ایجاد رقابت برای بروز استعدادها:

✓ هدف آزمون‌های هوش و موفقیت تحصیلی، شناسایی توانایی و استعداد افراد است.

د) ارتقا و رشد فردی:

ه) اشاعه، حفظ و تولید دانش:

◀ در مدارس در کنار کارکردهای آشکار (مثل خواندن و نوشتن درس‌ها، جدول ضرب‌ها، جمله‌سازی، درک خواندن در کلاس و یادگیری دستور زبان)، ارزش‌ها، هنجارها، باورها و نگرش‌ها به کودکان منتقل می‌شود که اینها، کارکردهای پنهان آموزش و پرورش است. این آموزش‌ها به دانش‌آموزان نظم، مقررات، تعاون، سازگاری و هماهنگی را آموزش می‌دهد.

۲. دیدگاه کشمکش – نابرابری آموزشی:

برابری آموزشی: تمام کودکان صرف نظر از پایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان، دارای برنامه آموزشی یکسانی بوده و در هر ناحیه‌ای که به مدرسه بروند، همه مدرسه‌ها دارای امکانات و بودجه یکسانی هستند.

۳. دیدگاه کنش متقابل نمادی:

✓ در این دیدگاه توجه اصلی، به روابط و کنش متقابل معطوف است.

✓ معلمان، نقشی یگانه و مهم در اجتماعی کردن کودکان دارند.

✓ معلمان، نخستین شخصیت‌های دارای نفوذ و اقتداری هستند که بسیاری از کودکان، هر روز در مدرسه با آنان روبرو می‌شوند.

✓ چشم‌داشت‌های معلم، در عملکرد دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد.

✓ برچسب‌های که توسط گروه هم‌سالان صورت می‌گیرد، اثری همانند برچسب‌های معلم به دانش‌آموز را دارد.

۱. **سبک آموزش دستوری:** معلم، دانش‌آموزان را ملزم می‌سازد که قسمتی از یک کتاب درسی را بخوانند و روز بعد، برای معلم بازگو کنند.

✓ این سبک نه تنها خلاقیت دانش‌آموز را افزایش نمی‌دهد، بلکه جریان سیال ذهن را سرکوب و علاقه وی را نسبت به موضوع درس ضعیف می‌کند.

۲. **سبک آموزش رهنمودی:** معلم، موضوعی را مطرح می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد درباره جوانب آن موضوع به کاوش بپردازند و از خلاقیت خود استفاده و نکات تازه‌ای را کشف کنند.

✓ این سبک نه تنها انگیزه‌های دانش‌آموزان را برای یادگیری بیشتر می‌کند، بلکه خلاقیت آنان را تقویت کرده و ذهن آنان را برای پذیرش دانش جدیدتر، آماده می‌سازد.

جمع‌بندی ۳ دیدگاه:

✓ کارکردگرایی بر شیوه‌هایی که نظام آموزشی ارزش‌های مسلط جامعه را به دانش‌آموز می‌آموزد و آنان را از طریق فرآیند ردیابی، انتخاب و غربال می‌کند متمرکز می‌شود.

✓ از دیدگاه نظریه پردازان کشمکش، کارکردها باعث می‌شوند که افراد در شکاف‌های طبقاتی مناسب قرار گیرند و ساختار قشربندی موجود، تداوم یابد.

✓ دیدگاه کنش متقابل نمادی و کشمکش، برای تحلیل برنامه آموزشی پنهان در مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تاثیر طبقه اجتماعی بر موفقیت تحصیلی:

✓ میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان قشرهای محروم، کمتر از قشرهای متوسط و بالای جامعه است.

✓ عدم موفقیت دانش‌آموزان طبقات محروم، به دو علت محیط خانه و خانواده و محیط مدرسه می‌باشد.

تاثیر محیط خانه و خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان:

✓ تهیه کتاب‌های تقویتی، وسایل کمک آموزشی و حتی معلم خصوصی در خانواده‌های دارای تمکن مالی در حالی که کودکان محروم، حتی ممکن است از غذای کافی بهره‌مند نباشند.

✓ دانش‌آموزان خانواده‌های متمکن، معمولاً دارای اتاق مستقل و محیط آرامتری هستند.

✓ والدین متعلق به طبقات متوسط و بالا، بیشتر می‌توانند سرمایه اجتماعی را برای دانش‌آموز فراهم کنند.

✓ در طبقات متوسط و بالای جامعه، والدین به تربیت، پیشرفت در زندگی و درس خواندن فرزندان‌شان بیشتر اهمیت می‌دهند.

✓ والدین طبقات پایین جامعه، کمتر در امور درسی فرزندان‌شان کمک، درباره فرزندشان از مدرسه اطلاعات کسب کرده و کمتر به مدرسه سر می‌زنند.

✓ مهمترین عامل بی‌علاقگی پسران نسبت به تحصیل، تغییرات در نوع و میزان اشتغال است.

✓ امروزه، مشاغل سنتی مردان کمتر از گذشته است و مشاغل در صنایع خدماتی که بعنوان مشاغل زنان تلقی می‌شوند، بیشتر شده است.

✓ موفقیت تحصیلی دختران و پسران در مدارس غیر مختلط، بیش از مدارس مختلط است.

✓ در مدارس مختلط، دختران تحت تاثیر رفتارهای تحقیرآمیز پسران قرار دارند. پسران بر تجهیزات مدرسه از جمله وسایل ورزشی و تجهیزات آزمایشگاهی تسلط دارند.

آموزش فنی و حرفه‌ای: عبارت است از یادگیری مهارت‌هایی که مستقیماً به شغلی معین یا انواع مشاغل مربوط می‌شود.

فصل دهم: تندرستی و مراقبت پزشکی

تندرستی: به وضعیت سالم بودن ذهن و روح به ویژه رهایی از بیماری یا درد اطلاق می‌شود.

تندرستی (از نظر جیمز فریزر): یک الگوی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، فنون و غیره است که اعضای یک جامعه معین، در آن سهیم هستند.

✓ جیمز فریزر، تکامل معرفت انسان را بر حسب الگوهای تبیینی جادو، مذهب و علم عرضه کرده است.

✓ تمایز کلیدی که فریزر بین جادو و مذهب قائل است، آن است که جادو، انسان‌ها را کنترل می‌کند و مذهب، تحت نظارت خداوند و ارواح است.

پزشکی از دیدگاه مور، به دو بخش تقسیم شده است:

۱. نظریه میکروبی بیماری و نیاز به درمان عفونت به منظور حفظ تندرستی.

۲. کارایی پزشکی، بازدارنده است.

✓ پزشکی بازدارنده و پزشکی درمانی، دو بازوی اصلی پزشکی جدید است.

✓ نظریه علمی پزشکی، متکی به تظاهرات عملی روابط علی است.

نظام مراقبت سلامتی شامل ۴ جز است:

۱. پزشکان

۲. پرستاران

۳. بیمارستان

۴. بیماران

انواع بیمارستان:

۱. درمانگاه‌ها: بیمارانی که نیاز به مراقبت‌های ساده و کوتاه مدت دارند را درمان می‌کنند.

۲. مراکز پزشکی: مراقبت‌های درازمدت ارائه می‌دهند و از فناوری پیشرفته برخوردارند.

۳. بیمارستان‌های بزرگ: معمولاً مراقبت از بیمار را با تحقیق و آموزش و تلفیق می‌کنند.

دیدگاه‌های نظری و نظام مراقبت تندرستی:

۱. نظریه کارکردگرایی:

✓ نخستین جامعه‌شناسی که دیدگاهی جامعه‌شناختی از بیماری ارائه داد، تالکوت پارسونز است.

بیماری (از نظر پارسونز): شکلی از رفتار انحرافی است که مانند جرم، نیاز به یک پاسخ اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، بیماران برای آنکه بیمار جلوه نکنند، شکل ویژه‌ای از رفتار انحرافی از آنان سر می‌زند.

نقش بیمار (از نظر پارسونز): باعث می‌شود که افراد، از شرکت فعال در رهوارهای روزمره دور شوند و به آنها، پناه و امتیازات ویژه‌ای را می‌دهد و صحنه را برای بازگشت آنان به نقش‌های اجتماعی عادی‌شان فراهم می‌سازد.

جنبه‌های اصلی نقش بیمار (از نظر پارسونز):

۱. به بیماران اجازه داده می‌شود که به طور موقت از نقش‌های دیگر دست بکشند یا حداقل، شرکت‌شان را کاهش دهند.
۲. از کیفرهای منفی نسبت به آنان اجتناب می‌شود زیرا دیگران می‌پذیرند که مریضی، گناه بیمار نیست.
۳. از بیماران انتظار می‌رود وضعیت خود را نامطلوب تعریف کنند، بخواهند تا دوباره خوب شوند، از بیماری خود چشم‌پوشند اما از منافع بیمار بودن خود، سوءاستفاده نکنند.
۴. از بیماران انتظار می‌رود توصیه‌های افراد شایسته در حوزه‌های مراقبت‌های بهداشتی را جویا شده و دنبال کنند. مسئول انجام کارهایی هستند که برای بهبودشان لازم است.

نقدهای مربوط به مفهوم نقش بیمار:

- ✓ مفهوم نقش بیمار محدود بوده و شامل شرایطی مثل بارداری نمی‌شود.
- ✓ نقش بیمار عمدتاً در مورد بیماری‌های حاد مانند عفونت‌های ویروسی که قابل درمان هستند صدق می‌کند.
- ✓ شامل بیماری‌های بدنامی مانند ایدز و بیماری‌های روانی نمی‌شود.
- ✓ نادیده گرفتن روش‌های دیگر درمان مثل خود درمانی یا استفاده از اعتقادات دینی

۲. نظریه کشمکش:

- ✓ شامل تبیین این دیدگاه درباره بالا رفتن منزلت حرفه پزشکی، توجیه درآمد و موقعیت بالای پزشکان، مشکلات حرفه‌ای و اقتصادی پرستاران و نابرابری مراقبت‌های بهداشتی است.
- ✓ وینسنته ناوارو: جامعه امروز بر تفاوت قدرت مبتنی بر طبقه، نژاد و جنسیت بنا شده است.
- ✓ ماهیت نهادهای امروزی، محصول کشمکش‌هاست.
- ✓ علت قدرت حرفه پزشکی در نتیجه ارتباط‌های ترکیب شده آن با طبقه سرمایه‌داری مسلط، نژاد سفید و جنسیت است.
- ✓ افراد متعلق به طبقات پایین جامعه، امید به زندگی کمتری نسبت به افراد متعلق به طبقات بالای جامعه دارند و بیش از آنها در معرض بیماری‌های معینی قرار می‌گیرند.
- ✓ تجاری کردن پزشکی بخاطر سود، باعث شده که فقرا و طبقات پایین جامعه، استطاعت هزینه‌های مراقبت‌های تندرستی را نداشته باشند.

۳. نظریه کنش متقابل نمادی:

- ✓ انسان‌ها براساس تفسیرهای ذهنی واقعی که از کنش متقابل با دیگران یاد گرفته‌اند، عمل می‌کنند و به طور مداوم، رفتار دیگران و خود را بر حسب نمادها و معناهایی که به طور اجتماعی کسب کرده‌اند، تفسیر می‌کنند.

تجربه‌های جامعه‌پذیری دانشجویان رشته پزشکی:

- ✓ نسبت به بیماری، رنج و مرگ، بی‌طرف و بی‌احساس باشند.
- ✓ خود را به منزله دکتر بنگرند و ظاهری حاکی از اعتماد به نفس و حرفه‌ای، از خود به نمایش بگذارند.

شیوه‌های جامعه‌پذیری پرستاران:

- ✓ عمدتاً زن و متعلق به طبقه اجتماعی متوسط هستند.
- ✓ افرادی نوع دوست‌تر، رئوف‌تر و بخشنده‌تر هستند.
- ✓ کمتر علاقه‌مند به قدرت، کنترل کردن دیگران و پیش انداختن خود هستند.
- ✓ بر دارا بودن آزادی برای تصمیم‌گیری مستقل و اینکه با آنان با همدلی رفتار شود، تأکید دارند.

کاربرد نظریه انگ‌زنی در بیماری:

- ✓ انگ‌ها و ننگ‌هایی که به افراد نسبت داده می‌شود، بر نحوه رفتار دیگران نسبت به آن افراد و به نوبه خود بر رفتار افراد انگ خورده تأثیر می‌گذارد.
- ✓ بیماری، انگ اجتماعی است که می‌تواند برای بدنام کردن افراد به کار رود.
- ✓ ماهیت انگ‌های مرتبط با بیماری، بر پایه فرهنگ است.

اپیدمیولوژی: مطالعه الگوهای سرایت بیماری در میان جامعه

- ✓ سلامتی و بیماری، به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارند که در چند ویژگی جمعیتی و طبقه اجتماعی منعکس می‌شوند.
- ✓ برجسته‌ترین ویژگی‌های جمعیتی عبارت‌اند از سن، جمعیت و طبقه اجتماعی.

سن و تندرستی:

- ✓ به برکت پیشرفت در درمان پزشکی، شرایط کاری، رژیم‌های غذایی، شرایط زندگی و بهداشت عمومی، افراد از عمر طولانی‌تری برخوردارند.
- ✓ میانگین امید به زندگی بالا رفته است.
- ✓ سالخوردگان، تندرستی بهتری نسبت به نسل‌های گذشته دارند.
- ✓ علل مرگ با سن، تغییر می‌کند. در کودکان، بیماری‌های مسری مثل ذات‌الریه و آنفولانزا؛ در نوجوانان و جوانان، خودکشی، قتل و تصادفات و در سالخوردگان، بیماری‌های مزمن مثل بیماری‌های قلبی و سکت، عامل شایع مرگ و میر هستند.

جنسیت و تندرستی:

- ✓ امید به زندگی زنان، بیش از مردان است.
- ✓ اینکه مردان به دلیل فشار کار سخت‌تر، بیش از زنان می‌میرند نادرست است.
- ✓ میزان مرگ مردان از بدو تولد تا سراسر زندگی، بیش از میزان مرگ زنان است.
- ✓ به استثنای بیماری قند، مردان در تمام سنین، بیش از زنان می‌میرند.
- ✓ زنان بر حسب بیماری جسمی، در وضعیت نامساعدتری به سر می‌برند.
- ✓ زنان به میزان بیشتری از بیماری‌های حاد مانند بیماری‌های عفونی و امراض تنفسی رنج می‌برند.
- ✓ میزان بیماری حاد مردان، تنها در مورد آسیب‌دیدگی است که بیش از زنان می‌باشد.

طبقه اجتماعی و تندرستی:

- ✓ افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین، کمتر از افراد متعلق به طبقات بالا از تندرستی مطلوب برخوردارند.
- ✓ عوامل تشدید کننده ضعف بهداشت طبقات پایین: شرایط زندگی غیربهداشتی و غیراستاندارد، قرار گرفتن در معرض خشونت، تغذیه ناکافی، مصرف الکل و مواد مخدر، فقدان مراقبت های پزشکی.
- ✓ مراقبت تندرستی مکفی، تنها هم زمان با دگرگونی در سبک زندگی از قبیل مسکن و عادات های غذایی میسر است.
- ✓ سطح طبقه اجتماعی، پیوسته با بیماری روانی مرتبط است.
- ✓ بیشترین بروز بیماری های روانی، در میان طبقات پایین اجتماع است.
- ✓ طبقات پایین اجتماع، در معرض مشکلات روانی از جمله نابسامانی شخصیتی و اسکیزوفرنی است. در حالی که طبقات بالا، بیشتر دچار اضطراب و مشکلات خلق و خو می باشند.

فصل یازدهم: نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی: به ابزارها و روش‌های اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود.

- ✓ نظارت اجتماعی، دنباله فرآیند اجتماعی شدن است.
- ✓ هرگاه نظارت اجتماعی در عمل محقق شود، رفتار فرد با نوع رفتار مورد انتظار هماهنگ می‌شود.
- ✓ نظارت اجتماعی، به صورت متقابل است؛ یعنی ما بر رفتار دیگران اثر می‌گذاریم و از رفتار آنان نیز اثر می‌پذیریم.
- ✓ افراد از هنجارها به صورت بازتابی پیروی می‌کنند اعم از اینکه زیر نظارت دیگران باشند یا نباشند نه به دلیل ترس از افشای رفتار نامناسبشان توسط دیگران، بلکه به دلیل نوعی نظارت درونی همانند وجدان و ضمیر ناخودآگاه، به هنجارهای مستقر دلبستگی پیدا می‌کنند.

نظارت اجتماعی غیررسمی:

- ✓ جامعه‌شناسان معتقدند پاداش و مجازات‌های غیررسمی، غالباً از تضمین‌های رسمی موثرتر است و خیلی بیشتر به کار می‌رود.
- ✓ نظارت اجتماعی غیررسمی، غالباً در گروه‌های نخستین آشکار می‌شود و در حقیقت، یکی از کارکردهای گروه‌های نخستین است.
- ✓ منظور از گروه‌های نخستین، خانواده، گروه هم‌سالان، گروه همکار یا گروه‌های اجتماعی کوچک دیگر است.
- ✓ تمسخر، خندیدن، زخم زبان زدن، شایعه‌پراکنی و طرد از مکانیسم‌های غیررسمی برای نظارت اجتماعی است.
- ✓ بیم از طرد شدن توسط گروه، یکی از موثرترین عوامل نظارت اجتماعی به شمار می‌رود.

نظارت اجتماعی رسمی:

- ✓ به وسیله تعدادی زیادی از سازمان‌ها و موسسات مختلف، درون جامعه اعمال می‌شود مثل پلیس، زندان، مراکز نگهداری جوانان بزهکار، دادگاه‌ها، موسسات رفاهی و مددکاری اجتماعی.
- ✓ کارگزاران متخصص نظارت اجتماعی عبارتند از افسران پلیس، پلیس قضایی، قضات، حقوقدانان و مددکاران اجتماعی.
- ✓ هرچه نظارت اجتماعی در درون جامعه بیشتر رسمیت پیدا کند، ممکن است این نظارت، بیشتر عقلانی و عینی گردد.

فصل دوازدهم: رفتار انحرافی

انحراف: هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون جامعه، منطبق و سازگار نباشد.

- ✓ انحراف، دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی، معیارهای جامعه را رعایت نمی‌کند.
- ✓ انحراف هم شامل رفتارهای منفی مانند بزهکاری یا ناراحتی روانی می‌شود و هم شامل رفتارهای فردی که قدم فراتر از معیارهای جامعه می‌گذارد.
- ✓ رفتار انحرافی و عمل منحرف با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف می‌شود.

انحراف نخستین: اعمال انحرافی که گذرا و تصادفی است.

انحرافات ثانوی: فرد به طور مشخص، رفتار انحرافی از خود نشان می‌دهد و از دید عموم مردم، فرد منحرفی محسوب می‌شود.

انحرافات فردی: وقتی فردی به تنهایی، از هنجارهای خرده فرهنگ خود منحرف می‌شود و اینگونه هنجارها را مطرود می‌داند.

انحرافات گروهی: گروهی از افراد که به صورت دسته جمعی، برخلاف هنجارهای مورد قبول جامعه عمل می‌کنند.

تبیین زیست‌شناسی انحراف:

- ✓ عوامل زیست‌شناسی، علت ارتکاب جرم هستند.
- ✓ انحراف به طور مثبت، با عوامل زیست‌شناختی مانند نقص جسمانی و الگوهای کروموزومی در ارتباط است.
- ✓ سزار لومبرزو از پیشگامان این نظریه که سعی داشت رفتار انحرافی را براساس وضعیت جسمانی تبیین کند، بوده است.
- ✓ چارلز گورینگ، دانشجوی لومبرزو متوجه شد هیچگونه تفاوت جسمانی مهمی میان مجرمان و دیگران وجود ندارد.

انواع اساسی جسمانی (از نظر ویلیام شلدون):

۱. اندومرف (چاق و خپل)
 ۲. مزومرف (عضلانی و ورزشکار)
 ۳. اکتومرف (لاغر، استخوانی و ضربه‌پذیر)
- ✓ نوع مزومرف (عضلانی) بیشتر به شخصیت جانی شبیه است چون شخصیتی پراثرژی، تحریک‌پذیر و عصبی دارد.
 - ✓ اندومرف‌ها (چاق و خپل) بیشتری رفتاری دوستانه، مهربان دارد و راحت‌طلب است.
 - ✓ اکتومرف‌ها (لاغر و استخوانی) احساسی و تا حدی کناره‌گیر هستند.

تبیین روان‌شناختی انحراف:

- ✓ انحراف براساس نقص شخصیت تبیین می‌شود؛ یعنی برخی از انواع شخصیت، گرایش به انحراف اجتماعی دارد.

من از دیدگاه فروید:

۱. **نهاد:** بخش ناخودآگاه، غریزی و غیر اجتماعی من.
۲. **خود:** بخش آگاه و معقول من را تشکیل می‌دهد.
- ✓ نام دیگر آن، دروازه‌بان شخصیت است چون میانجی میان رابطه متقابل نهاد و فراخود است.
۳. **فراخود:** بخشی از من که ارزش‌های فرهنگی را جذب و به عنوان خودآگاه (وجدان) عمل می‌کند.

✓ بر مبنای نظریه روانکاوی، رفتار انحرافی زمانی رخ می‌دهد که نهاد فعال و غیر قابل کنترل با فرخود کمتر فعال ترکیب شود و در همان حال، خود، سهل‌انگار می‌شود و در هدایت رفتار فرد، نقشی را ایفا نمی‌کند.

تبیین رفتار انحرافی از دید جامعه‌شناسی:

شیوه‌های مختلف برای تبیین عوامل موثر بر رفتار انحرافی بر حسب اجتماعی شدن:

۱. افرادی که به صورت صحیحی اجتماعی نشده‌اند، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود، جایگزین نمی‌کنند و بدین‌سان، قادر نیستند بین رفتار فرهنگی مناسب و نامناسب، تمایز قائل شوند.
۲. باید نخست معلوم شود فرد منحرف، چگونه رفتار انحرافی را آموخته است.
۳. تبیین نتیجه نارسایی‌های موجود بین فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه است. هرگاه فرد نتواند از ابزارهای موجود در جامعه برای رسیدن به هدف‌های مجاز و معین فرهنگ استفاده کند، احتمال بروز رفتار انحرافی و کج‌روی برای وی، وجود خواهد داشت.

نظریه تأثیر معاشرت‌های مختلف (ادوین ساترلند):

- ✓ ساترلند: برای آن که شخصی جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد.
- ✓ هر چقدر سطح هر یک از ۴ متغیر فراوانی، اولویت، دوام و شدت ارتباط به گروه‌های منحرف یا غیرمنحرف بالاتر باشد، به همان میزان احتمال بروز رفتار مشابه آن بیشتر است.

بی‌هنجاری (آنومی): وضعیتی که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او، بی‌ریشه عمل می‌کند.

- ✓ این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است.
- ✓ مفهوم بی‌هنجاری توسط امیل دورکیم وارد جامعه‌شناسی شده است.
- ✓ از نظر رابرت مرتن، افراد در طی فرآیند اجتماعی شدن می‌آموزند که چگونه اهداف فرهنگی مهم را بشناسند و از وسایل مورد تایید استفاده کنند. اما هنگامی که امکان دستیابی به اهداف وجود نداشته باشد، سراغ راه‌های دیگری رفته که ممکن است انحرافی باشد.

رفتارهای انحرافی (از نظر مرتن):

۱. **نوآوری:** هنگامی رخ می‌دهد که فرد، اهداف فرهنگی را پذیرفته اما وسایل اجتماعی مورد قبول برای دستیابی به آن اهداف را نمی‌پذیرد مثل دزدی.
۲. **رسم‌پرستی:** هنگامی رخ می‌دهد که شخص، وسایل فرهنگی مرسوم و پذیرفته را تایید می‌کند اما خود هدف را نمی‌پذیرد مثل پرستاری که به جای پذیرش فوری بیمار، ساعت‌ها به تشریفات پذیرش می‌پردازد.
۳. **انزواجویی:** هنگامی رخ می‌دهد که فرد، هم اهداف تایید شده فرهنگی و هم وسایل رسیدن به آن اهداف را طرد می‌کند مثل پناه بردن به مواد مخدر و خودفرااموشی.
۴. **طغیان:** هنگامی رخ می‌دهد که اهداف تایید شده فرهنگی و وسایل دستیابی به آن، هر دو طرد می‌شود و فرد می‌خواهد اهداف و وسایل تازه‌های را جایگزین کند مثل گروه‌های افراطی و طغیانگر.

خرده فرهنگ منحرف: به شیوه رفتار، ارزش‌های غالب و تفاهم متقابلی اطلاق می‌شود که بین اعضای یک جماعت مشترک است اما جامعه رسمی، آنها را نمی‌پذیرد.

افرادی که در یک انحراف خاص شریک هستند، به ۲ دلیل دور هم جمع می‌شوند: حمایت متقابل و فراهم کردن جوی که بتوانند در آن رفتار انحرافی خود را بروز دهند.

فصل سیزدهم: طبقات اجتماعی

طبقه اجتماعی: بخشی از جامعه که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد.

شاخص‌های تعیین طبقه اجتماعی:

۱. درآمد
۲. شغل
۳. میزان تحصیلات

قشربندی اجتماعی: افراد را با توجه به امتیازاتشان رتبه‌بندی می‌کند و آنان را در آن طبقه اجتماعی که با این امتیازات متناسب است جای می‌دهد.

✓ امتیازات اجتماعی را فرهنگ و جامعه تعیین می‌کنند.

پایگاه اجتماعی: موقعیت یا مرتبه اجتماعی فرد در یک گروه در مقایسه با گروه دیگر

روش‌های مطالعه قشربندی:

۱. **روش اشتھاری:** از افراد پرسیده می‌شود که افراد دیگر را در کدام طبقه اجتماعی می‌توان قرار داد.

✓ در اجتماعات کوچک که بیشتر اعضای آن همدیگر را می‌شناسند، مناسب است.

✓ برای مطالعه قشربندی اجتماعی در یک منطقه شهری، کاربرد ندارد.

۲. **روش ذهنی:** خود فرد طبقه اجتماعی خود را تعیین می‌کند.

✓ هنگامی که از جمعیت‌های وسیع و ناهمگون نظرخواهی می‌شود، نتایج دقیق‌تری به دست می‌دهد.

۳. **روش عینی:** افراد، برحسب ملاک‌های تعیین شده سنجیده می‌شوند و سپس در طبقه اجتماعی متناسب با ملاک‌های مذکور جای می‌گیرند.

نمادهای منزلتی: از جمله داشتن اتومبیل گرانیقیمت، جواهرات و املاک را ثروتمندان، مدتها برای کسب تشخص و تضمین جدایی آنها از دیگر طبقات اجتماعی به کار می‌برده‌اند.

کاست: نظام خشک قشربندی اجتماعی است که اعضای آن نمی‌توانند آزادانه، از یک کاست به کاست دیگر انتقال یابند.

✓ کسی که در یک کاست خاص متولد می‌شود، باید سراسر عمرش را در آن کاست باقی بماند و ازدواج با افراد خارج از کاست ممنوع است.

✓ نظام طبقاتی در مقایسه با نظام کاستی، باز است؛ زیرا در این نظام، حکومت، مذهب یا فرهنگ، تحرک از یک طبقه به طبقه دیگر را محدود نکرده است.

✓ در نظام طبقاتی می‌توان با تلاش بیشتر، ازدواج و غیره عضو طبقات بالاتر شد اما در نظام کاستی، امکانپذیر نیست.

✓ ثروت، منزلت و قدرت مزایای نادری هستند که مانند کالاهای کمیاب، به طور یکسان در میان اعضای جامعه تقسیم نمی‌شوند.

سبک زندگی و ارتباط آن با طبقه اجتماعی: باورها و وجهه‌نظرهای طبقه اجتماعی، شیوه زندگی طبقه را تعیین می‌کند.

امید به زندگی:

- ✓ هر قدر پایگاه اجتماعی فرد بالاتر باشد، امید به زندگی وی بیشتر است.
- ✓ میزان مرگ و میر اطفال در طبقات پایین، بیش از میزان آن در طبقات متوسط و بالاست.

بهداشت روانی:

- ✓ هر قدر که طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد، احتمال اختلال روانی در او کمتر است.
- ✓ بیماران روانی طبقات پایین، اغلب به بیمارستان‌های دولتی مراجعه می‌کنند و بیماران روانی طبقات بالا، به روانکاو، روانشناس و بیمارستان‌های خصوصی و مجهز.

آموزش و پرورش:

- ✓ هر قدر طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد، سطح تحصیلات او نیز بالاتر است.

شغل:

- ✓ اعضای طبقات پایین، معمولاً به کارهای یدی اشتغال دارند و فاقد مهارت یا نیمه ماهرند.
- ✓ اعضای طبقات متوسط و بالا، عموماً به مشاغل حرفه‌ای، مدیریت و مصادر دولتی مشغول‌اند.

رفتار سیاسی:

- ✓ طبقه اجتماعی، ظاهراً مهمترین شاخص تعیین کننده گرایش‌ها و طبقات رفتار سیاسی افراد است.
- ✓ در آمریکا، اعضای طبقات پایین، از لحاظ اقتصادی بیشتر گرایش‌ات لیبرالیستی دارند و به حزب دموکرات رای می‌دهند و اعضای طبقات بالا از لحاظ اقتصادی، تمایلات محافظه‌کارانه دارند و به حزب جمهوری خواه رای می‌دهند.
- ✓ هر چقدر طبقه اجتماعی فرد پایین‌تر باشد، مشارکت در رای‌گیری کمتر است.

استواری زناشویی:

- ✓ هر چقدر طبقه اجتماعی پایین‌تر باشد، احتمال گسیختن پیوند زناشویی بیشتر است.

وابستگی مذهبی:

- ✓ اعضای طبقه بالا، بیشتر به دنبال منصب رهبری هستند و به جنبه‌های ذوقی مذهب علاقه‌مندند. میزان مشارکت در فعالیت‌های مذهبی محدود بوده و بیشتر جنبه تشریفاتی دارد.
- ✓ امور مذهبی را معمولاً اعضای طبقه متوسط جامعه اداره می‌کنند.
- ✓ واکنش اعضای طبقات پایین جامعه به مذهب، بیشتر عاطفی است. به همین دلیل اعضای این طبقه، به فرقه‌های بنیادگرا و طالب تجدید حیات جذب می‌شوند.

همکاری اجتماعی:

- ✓ هر اندازه فرد متعلق به طبقه اجتماعی بالاتری باشد، احتمال اینکه آن شخص با دیگران بجوشد و در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند، بیشتر است.
- ✓ عضویت و فعالیت اعضای طبقات پایین در باشگاه‌ها، گروه‌های اجتماعی، انجمن خانه و مدرسه و سازمان‌های سیاسی از اعضای طبقات متوسط و بالا کمتر است.

وجه نظر:

- ✓ مهمترین تفاوت میان وجهه‌نظرهای طبقات پایین و طبقات متوسط و بالا در این است که طبقات پایین، برآوردن فوری نیازهایشان را بر بهره‌مندی از پاداش‌های بزرگتر و طولانی‌تر آینده ترجیح می‌دهند.
- ✓ دیدگاه اعضای طبقات پایین جز در موارد اقتصادی، بیشتر محافظه کارانه است در حالی که دیدگاه طبقات متوسط و بالا، غالباً لیبرالیستی است.

فرصت‌های زندگی: به امکانات گوناگونی اطلاق می‌شود که شخص در زندگی، در اختیار دارد تا از طریق آنها، به اهداف خود دست یابد.

- ✓ این فرصت‌ها به طور یکسان توزیع نشده و به شدت، به طبقه اجتماعی فرد بستگی دارد.

نظریه‌های کارکردی و نظریه مخالف آن درباره قشربندی اجتماعی:

- ✓ کارکردگرایان عقیده دارند علت وجود قشربندی اجتماعی این است که نیازهای جامعه به نحو بهتری برآورده می‌شود.
- ✓ باید پاداش‌های مثل درآمد، قدرت و پایگاه اجتماعی به طور نامساوی بین اعضای جامعه توزیع شود تا مهمترین موقعیت‌ها، نصیب شایسته‌ترین افراد شود.
- ✓ نظریه پردازان کشمکش اعتقاد دارند پاداش‌ها باید به طور یکسان در میان اعضای جامعه توزیع شود.
- ✓ نابرابری، نتیجه کارکرد سالم جامعه نیست، بلکه صرفاً ناشی از بهره‌کشی ثروتمندان از فقراست.
- ✓ بقای جامعه، منوط به توزیع ناعادلانه پاداش‌ها نیست.

کارل مارکس و طبقه اجتماعی:

- ✓ کشمکش میان طبقات اجتماعی، اصلی اجتناب‌ناپذیر است.
- ✓ موقعیت طبقه اجتماعی فرد، به روابط او با ابزار تولید بستگی دارد.
- ✓ جامعه به دو طبقه اساسی بورژوازی (صاحبان وسایل تولید) و پرولتاریا (کارگران) تقسیم می‌شوند.
- ✓ طبقه بورژوا، زمام حکومت، کلیسا، نهادهای آموزشی و اقتصادی را در اختیار دارد.

ماکس وبر و طبقه اجتماعی:

- ✓ طبقه بر ۳ عنصر قدرت، ثروت و منزلت مبتنی است.
- ✓ مزیت نگرش وبر بر نگرش مارکس این است که نگرش وبر به ما اجازه می‌دهد به هنگام تعیین طبقه، متغیرهایی غیر از پایگاه اقتصادی را برای تعیین طبقه مورد توجه قرار دهیم.

فصل چهاردهم: تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی: به جابجایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر گفته می‌شود.

انواع تحرک اجتماعی:

۱. **تحرک عمودی:** عبارت است از تغییر پایگاه فرد، هنگامی که از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر انتقال می‌یابد مانند ارتقای مدیر جز به مدیر کل یا تبدیل شدن مدیر مدرسه به معلم.

۲. **تحرک افقی:** عبارت است از انتقال فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر در همان سطح.

✓ فردی که شغلش را تغییر می‌دهد در صورتی که تغییر شغل، تاثیری بر پایگاه اجتماعی وی نگذارد، دارای تحرک افقی بوده است.

۳. **تحرک میان‌نسلی:** نوعی تحرک اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد مثل فرزندان یک راننده تاکسی، پزشک شود یا فرزندان یک پزشک، راننده تاکسی.

۴. **تحرک درون‌نسلی:** عبارت است از تغییر یا تغییراتی که در پایگاه اجتماعی یک فرد یا گروه در همان نسل رخ می‌دهد مثل یکی از فرزندان یک خانواده متوسط که توانسته مدارج علمی و شغلی را طی کند.

جامعه اجتماعی باز:

- ✓ افراد، از فرصت‌های اجتماعی مناسبی برای صعود به طبقات بالاتر برخوردارند.
- ✓ اگر لیاقت و پشتکار داشته باشید، می‌توانید به پایگاه اجتماعی بالا برسید.
- ✓ جامعه باز واقعی، جامعه نمونه آرمانی است و فقط در نظریه‌ها می‌توان یافت.
- ✓ افرادی که در مناطق شهری و صنعتی زندگی می‌کنند، از امکانات جامعه باز برخوردارند و میدان عمل وسیع‌تری برای کسب موفقیت و ارتقا به پایگاه بالاتر دارند.

جامعه بسته:

- ✓ پایگاه اجتماعی شخص در بدو تولد، تعیین شده و بدون تحرک به بالا یا پایین، تا پایان عمر ثابت می‌ماند.
- ✓ نظام آپارتاید، نمونه‌ای از جامعه بسته است.
- ✓ جوامع ما قبل صنعتی یا کشاورزی، عمدتاً از نوع جوامع بسته بوده‌اند.
- ✓ در جوامع بسته، پیشینه خانوادگی، مهمترین عامل در تعیین پایگاه اجتماعی به شمار می‌رود.
- ✓ در جوامع صنعتی شهری، پایگاه محقق، برای بخش اعظم جمعیت، بسیار مهمتر از پایگاه محول است زیرا جامعه صنعتی برای مهارت‌های تخصصی که برای تحصیلات و دوره‌های کارآموزی طولانی نیاز دارد، ارزش بسیاری قائل است.

عوامل مرتبط با تحرک اجتماعی:

۱. حجم خانواده

✓ فرزندان خانواده‌های کم جمعیت که اغلب در شهرها سکونت دارند، بیش از فرزندان خانواده‌های پرجمعیت، امکان تحرک عمودی دارند.

۲. نژاد و قومیت:

۳. تحصیلات:

✓ به طور کلی، میزان تحصیلات فرد به میزان درآمد او بستگی دارد.
✓ کارکرد اولیه تحصیلات رسمی این است که مهارت لازم را برای ورود فرد به بازار کار فراهم می‌سازد.

۴. جنسیت و ترتیب تولد:

✓ فرزندانی که بین تولد اولین و آخرین فرزند به دنیا می‌آیند، معمولاً فرصت کمتری برای تحرک عمودی دارند.

۵. ازدواج:

✓ هر چقدر شخص به هنگام ازدواج جوان‌تر باشد، مجال او برای تحرک صعودی کمتر است.

۶. **کامروایی معوق:** عبارت است از اینکه فرد، مزایای آنی را فدای آینده می‌کند و منابع خود را برای اهداف آینده که پاداش‌هایی به مراتب بیشتر برای او به ارمغان می‌آورد، نگهداری می‌کند.

✓ افرادی که در دوران جوانی از کامروایی چشم می‌پوشند، بیش از افرادی که هر لحظه را غنیمت می‌شمارند، مجال دستیابی به تحرک صعودی دارند.

۷. برنامه‌های دولتی:

✓ اعطای وام و کمک‌هزینه تحصیلی به محصلان و دانشجویان، از برنامه‌های دولت برای کمک به طبقات پایین جامعه برای تحرک عمودی است.

عوامل تحرک نزولی:

۱. تحصیلات ناقص
۲. ازدواج در سنین پایین
۳. آوردن فرزند در سنین پایین
۴. متولد شدن در یک خانواده پر فرزند
۵. گرفتار شدن در یک بحران اقتصادی یا شغلی
✓ در یک جامعه طبقاتی باز برای اینکه جامعه بتواند وضعیت خود را حفظ کند، باید سطح معینی از تحرک نزولی در آن وجود داشته باشد.

مشکلات زندگی در جامعه باز:

✓ ایجاد فشار روحی و احساس محرومیت به هنگام رقابت برای دستیابی به پایگاه اجتماعی بالا.
✓ احساس شکست و سرخوردگی در افرادی که آرزوی دستیابی به پایگاه اجتماعی بالا دارند اما توانایی رقابت ندارند.
✓ احساس اینکه از اصول خود صرفه‌نظر کرده‌اند، وقت کمتری برای خانواده می‌گذارند یا بیشترین توان را برای رسیدن به پایگاه بالاتر قرار داده‌اند برای افرادی که توانایی رقابت دارند.
✓ احتمال سیر نزولی، پس از رسیدن به اهداف.
✓ از دست دادن دوستانی که زمانی با فرد، شریک و همکار بوده‌اند به هنگام تغییر طبقه اجتماعی

فصل پانزدهم: جمعیت و بوم شناسی

جمعیت‌شناسی: مطالعه علمی جمعیت است.

✓ عمدتاً به مطالعه حجم، ترکیب و توزیع جمعیت یک جامعه می‌پردازد. همچنین عوامل اجتماعی گوناگونی را که با تغییرهای یاد شده ارتباط می‌یابند را در نظر می‌گیرد.

خصوصیات اجتماعی و زیستی جمعیت:

- ✓ اغلب مطالعات جمعیتی، روی ژند پدیده زیستی و اجتماعی متمرکز می‌شود.
- ✓ توزیع بر حسب جنس، توزیع بر حسب سن و وضع تاهل، توزیع نژادی، گروه‌بندی بر حسب درآمد، شغل، حجم خانواده و محل سکونت، جزء متغیرهای مهمی است که درباره آنها اطلاعات جمع‌آوری می‌شود.
- ◀ سرشماری سراسری و گردآوری آمارهای حیاتی مثل شمار موالید و مرگ و میر، به ذخیره داده‌های جمعیتی می‌افزایند.

مفاهیم اساسی جمعیتی:

۱. **میزان ناخالص موالید:** شمار متولدین بر مبنای هر ۱۰۰۰ نفر در سال.
۲. **میزان ناخالص مرگ و میر:** شمار مرگ و میر بر مبنای هر ۱۰۰۰ نفر در سال.
۳. **میزان‌های سن خاص:** میزان موالید یا مرگ و میر افراد در سطوح خاص سنی.
- ✓ با در نظر گرفتن زنانی که در سن باروری‌اند، می‌توان با شمارش میزان ناخالص موالید، جمعیت را بر حسب سن و جنس توزیع کرد.
۴. **میزان موالید و مرگ و میر استاندارد شده:** میزان‌های تنظیم‌شده‌ای است که تفاوت‌های اساسی میان جمعیت‌هایی را که ممکن است بر میزان موالید و مرگ و میر آنها تاثیر بگذارند، در نظر می‌گیرند.
۵. **امید زندگی:** طول عمر مورد انتظار یک نوزاد در جامعه.
۶. **پهنه عمر:** حداکثر مدت حیات یک انسان.
۷. **نسبت جنسی:** نسبت ذکور به اناث در هنگام تولد یا در هر مقطع سنی دیگر.
- ✓ غالباً نسبت مردان به زنان، در برابر هر ۱۰۰ زن در جامعه اطلاق می‌شود.
۸. **باروری:** میزان زاد و ولد در جامعه که حاکی از تعداد فرزندان است که هر زنی به طور متوسط، به دنیا می‌آورد.
۹. **باروری طبیعی (بالقوه):** توانایی بیولوژیکی زنان جامعه برای تولید مثل.

ترکیب سنی جمعیت:

- ✓ نسبت جمعیت جوان به کل جمعیت در بخش زیادی از دنیا، بالاست و تعداد سالخوردگان رو به افزایش است.
- ✓ اگر میزان موالید ثابت بماند، ترکیب سنی جمعیت در چند گروه سنی متعادل می‌شود.
- ✓ ترکیب جمعیت بر کارکرد جامعه تاثیر می‌گذارد.

✓ برای ایجاد تناسب میان گروه‌های سنی، باید میزان موالید را تحت کنترل قرار داد.

مهاجرت: تحرک جمعیت از یک محل جغرافیایی به محل دیگر است.

مهاجرت داخلی: جابجایی از یک منطقه در یک کشور به دیگر در همان کشور مانند مهاجرت از روستا به شهر یا از یک استان به استانی دیگر.

دلایل مهاجرت:

۱. ناکافی بودن عرضه مواد غذایی در یک منطقه

۲. تعقیب و آزار عقیدتی یا سیاسی

۳. جنگ

۴. نفرت‌ها و خصومت‌های قومی و ملی

مهاجرت بین‌المللی (برون کوچی): نقل مکان از یک کشور به کشور دیگر

✓ مهاجرت گسترده داخلی و مهاجرت بین‌المللی، در ترکیب جمعیت مهاجرپذیر تغییراتی ایجاد می‌کند و ممکن است به بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی منجر گردد.

✓ معمولاً مهاجران برای انطباق خود با آداب نامانوس محلی و با شیوه‌های مختلف زندگی در آن محل، با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند.

عوامل موثر بر افزایش رشد جمعیت:

۱. پیشرفت‌های مختلف در حوزه علوم پزشکی

۲. افزایش سن امید به زندگی

۳. کاهش مرگ و میر در هنگام تولد یا دوران طفولیت

۴. درمان بسیاری از امراض که در گذشته ناعلاج بوده

◀ افراد طبقات پایین، بیش از افراد طبقات متوسط و بالا به داشتن فرزندان متعدد گرایش دارند.

◀ میزان زاد و ولد بالا، عمدتاً در روستاییان و افرادی که سطح تحصیلات بالایی ندارند، بیشتر است.

◀ میزان زاد و ولد در میان خانواده‌های شهری تحصیل کرده پایین است.

فناوری، اقتصاد و وجهه‌نظرها:

✓ یکی از عمده‌ترین عوامل افزایش جمعیت در جهان، پیشرفت فناوری است.

✓ پیشرفت‌های فنی در کشورهای صنعتی، موجب فراوانی مواد غذایی، بهبود سطح مراقبت‌های پزشکی و کلاً بالا رفتن سطح زندگی و کاهش مرگ و میر شده است.

✓ مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها، باعث کاهش رشد جمعیت شده است.

✓ در اقتصاد شهری، فرزند متعدد در خانواده، سرمایه محسوب نمی‌شود.

✓ گرایش روزافزون بسیاری از مردم به کنترل موالید و علاقه فزاینده زنان به اشتغال به کار، باعث کاهش رشد جمعیت شده است.

عواقب رشد سریع جمعیت:

۱. میزان بالای بیکاری

۲. کاهش منابع غذایی و دیگر منابع طبیعی حیاتی

۳. کمبود مسکن

راه‌های محدود کردن رشد جمعیت:

- ✓ هر پدر و مادر باید فقط ۱ یا ۲ فرزند داشته باشد
- ✓ موثرترین راه برای تنظیم خانواده این است که پدران و مادران به این ضرورت پی ببرند که با فرزند کمتر، زندگی بهتری خواهند داشت.
- ✓ کنترل موالید به ۲ صورت تشویق به جلوگیری از بارداری و کنترل اجباری آن صورت می‌گیرد.
- ✓ مهمترین مانع در برابر برنامه‌ریزی موفق خانواده، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر خانواده‌هاست.

نظریه مالتوس: از یک طرف، جمعیت به صورت تصاعد هندسی و از طرف دیگر، مواد غذایی و وسایل معیشت به صورت تصاعد حسابی افزایش می‌یابد. این امر موجب افزایش بیش از حد جمعیت و کمبود مواد غذایی خواهد شد. در نتیجه جنگ، بیماری طاعون و قحطی، تعادل برقرار می‌شود.

- ✓ در سال ۱۷۹۸ کتابی با عنوان رساله‌ای درباره اصول جمعیت منتشر کرد.
- ✓ به علت نوآوری‌های فناوری در کشاورزی و استفاده وسیع از وسایل ضد بارداری در جوامع پیشرفته، این پیش‌بینی محقق نشد.

نظریه مرحله انتقالی جمعیت: اگر جمعیتی شهری و صنعتی بشود، آن جمعیت ثابت می‌ماند زیرا والدین، تعداد فرزندانی می‌آورند که بتوانند مخارج آنها را تامین کنند.

مراحل دوره انتقالی جمعیت:

۱. میزان زاد و ولد و مرگ و میر بالاست و جمعیت، نسبتاً ثابت است. این مرحله عمدتاً، خاص مناطق توسعه نیافته است.
۲. میزان زاد و ولد بالا و میزان مرگ و میر پایین است. علت پایین بودن میزان مرگ و میر، پیشرفت نوآوری‌های فناورانه حیات‌بخش است. جمعیت به سرعت رشد می‌کند.
۳. میزان جمعیت به علت پایین بودن میزان موالید و مرگ و میر، تقریباً ثابت می‌ماند و هنگامی رخ می‌دهد که جوامع، کاملاً صنعتی شده و خانواده‌های پر جمعیت دستخوش ضعف اقتصادی می‌گردند.

اکولوژی (بوم‌شناسی): مطالعه رابطه میان صور زندگی با محیط طبیعی.

- ✓ تاثیر متقابل انسان و محیط زیست بر یکدیگر بررسی می‌شود از قبیل آلودگی هوا، ازدیاد جمعیت، فرسایش خاک و ...
- اکوسیستم (بیوستگی طبیعی محیط زیست):** عبارت است از نظام به وجود آمده از رابطه متقابل تمام موجودات زنده با عوامل فیزیکی و شیمیایی محیط زیست.
- ✓ همه شکل‌های حیات در محیط طبیعی را تشکیل می‌دهد.
- ✓ حیات وحش، گیاهان، آب و هوا و زمین، بخشی از اکوسیستم بوده و همه عناصر موجود در محیط زیست، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل شانزدهم: اجتماع شهری و اجتماع روستایی

اجتماع: گروهی از مردم که در یک منطقه خاص جغرافیایی اسکان دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترک هستند، به وحدت خاص میان خود آگاهند و به طور جمعی، یک هدف را دنبال می‌کنند مانند حوزه‌های شهری، شهرها، محله‌ها و روستاها.

جامعه روستایی (جامعه کوچک یا جامعه قومی): گروهی از انسان‌ها که دارای نحوه زندگی مشابه، زبان، شیوه‌های قومی و مقتضیات اجتماعی مشترکی هستند.

- ✓ افراد روستا، در کشاورزی فعال هستند.
- ✓ پیوندهای بسیار نزدیک خانوادگی دارند.
- ✓ روابط فردی موجود میان اعضای جامعه روستایی، نیرومند است و با الگوهای رفتار سنتی، مشخص شده است.
- ✓ شیوه زندگی افراد، عموماً غیررسمی است و دارای شیوه‌های قومی قوی و پایداری هستند.

نهادهای عمده جامعه روستایی:

- ✓ خانواده، نهاد اصلی است.
- ✓ تمام فعالیت‌های اقتصادی، مذهبی و تفریحی در چهارچوب خانواده صورت می‌گیرد.
- ✓ همه نیازهای اعضا، در چهارچوب خانواده برآورده می‌شود.
- ✓ نهاد مذهبی در یک جامعه قومی، بسیار سنتی است و اغلب همه افراد، باهم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند.
- ✓ اقتصاد جامعه قومی، فقط مبتنی بر کشاورزی است.

همگنی جمعیت در جامعه روستایی:

- ✓ اشتراک در مصالح اقتصادی، افکار، امیال، آداب و رسوم، سنن و جلوه‌های فرهنگ، اعضای جامعه روستایی را همگن ساخته است.
- ✓ هرچقدر همگنی ریشه‌دارتر، یگانگی جامعه نیز با دوام‌تر.
- ✓ جامعه روستایی، جامعه‌ای آرام و با تراکم جمعیت اندک بوده و روابط دوستانه و خانوادگی عمیقی بر آن حاکم است.
- ✓ فرد، جزء لاینفک خانواده و اسیر رسوم اخلاقی است و تحرک مکانی، شغلی و طبقه‌ای در آن اندک است.

شهرنشینی: فرآیند آن هنگامی روی می‌دهد که عده زیادی از مردم، مناطق کشاورزی کشور را ترک کنند و سکونتگاه‌های شهری را ایجاد کنند.

عوامل تشدیدکننده شهرنشینی:

- ✓ شمار بالای نوآوری‌های فنی
- ✓ پیشرفت‌های فنی در کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و ارتباطات

شرایط لازم برای شهرنشینی (از نظر هورتون و هانت):

۱. باید در بسیاری از مشاغل تخصصی در شهر، تقسیم کار وجود داشته باشد.
۲. سازمان اجتماعی، باید مبتنی بر اشتغال و طبقه اجتماعی باشد نه روابط خویشاوندی.
۳. باید به جای نهاد خانواده، نهادهای رسمی دولتی و ملی حاکم باشد.
۴. باید نظام بازرگانی و تجارت وجود داشته باشد.
۵. باید وسایل ارتباطات و حفظ سوابق وجود داشته باشد.
۶. باید فناوری نظام یافته و معقولی وجود داشته باشد.

روابط فردی در مناطق شهری:

- ✓ روابط فردی، بیشتر غیرشخصی بوده و فرد با اکثر کسانی که ارتباط برقرار می کنند، ناآشنا هستند و روابط میان افراد چندان پایدار نیست.
- ✓ جمعیت شهر، نامتجانس، انبوه و گسسته بوده و شخص می تواند به آسانی، ناشناخته بماند و به شیوه دلخواه خود زندگی کند.
- ✓ در جامعه قومی، سنت ها و اهداف مشترک، مانع انحراف افراد از شیوه رایج زندگی می شود. اما در جوامع شهری این عوامل بازدارنده ضعیف شده و فرد، از قید و بند آنها رهاست. به همین دلیل، زمینه برای انحراف از ارزش های حاکم بر جامعه و به وجود آمدن گروه های منحرف و خلافکار مساعد است.
- ✓ حجم وسیع ناهمگنی جمعیت شهری و گمنامی نسبی افراد در شهر، زمینه را برای خلافتکاری و ارتکاب جرم و جنایت فراهم می سازد.

مرحله گذار از زندگی روستایی به زندگی شهری:

- ✓ جامعه شناسانی نظر دورکیم، ردفیلد، ورت و تونیس، به مطالعه این موضوع پرداخته اند.
- ✓ به گمان آنها، روابط غیرخصوصی جایگزین روابط خصوصی شده و در نتیجه، جامعه دچار هرج و مرج می شود.

تراکم جمعیت و روابط خصوصی:

- ✓ تراکم جمعیت در مناطق شهری، افراد را دچار فشارهای روحی کرده و آرامش زندگی را به هم می زند.
- ✓ انسان در زندگی شهری، در گمنامی به سر می برد و هویت مشخصی ندارد که گاه منجر به عدم اعتماد متقابل و نارضایتی کامل از کیفیت زندگی شهری می شود.
- ✓ رقابت و درگیری شدید، از ویژگی های زندگی شهری است چون پایگاه شخص، به دستاوردهای وی مشخص می شود و نه با پایگاه محول که در جوامع روستایی متداول است.

ایرادات جوامع روستایی:

۱. میزان بالای مرگ و میر
۲. میزان بالای بیماری
۳. نداشتن حریم زندگی خصوصی
۴. تعهد عمیق نسبت به خانواده

✓ جامعه‌شناسان در اوایل دوره صنعتی شدن جوامع صنعتی، اجتماع روستایی را جامعه‌ای آرمانی تصویر می‌کردند.

بوم‌شناسی شهری: رابطه میان ساکنان شهر و استفاده اجتماعی از فضای زیست را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

✓ چون فضای موجود در شهر محدود است، روح رقابت بر ساکنان بیشتر شهرها حاکم شده است.

نظریه مناطق هم‌مرکز: شهر، مشتمل بر سلسله‌ای از مناطق هم‌مرکز است که هریک، برای استفاده معینی اختصاص یافته و در هرکدام از آنها، بخش‌های متفاوتی از جمعیت اسکان یافته‌اند.

۱. منطقه ۱ (منطقه مرکزی): عبارت است از بازار اصلی یا مرکز اصلی خرید شهر.

۲. منطقه ۲ (منطقه گذر یا در حال انتقال): شامل ساختمان‌های فرسوده بوده و آشفتگی اجتماعی بسیاری در آن به چشم می‌خورد.

۳. منطقه ۳: منطقه مسکونی شامل خانه‌های کارگران است.

۴. منطقه ۴: منطقه‌ای مسکونی که اعضای طبقه متوسط جامعه در آن ساکن هستند.

۵. منطقه ۵ (منطقه دور از مرکز): در حومه شهر قرار دارد و محل سکونت طبقه متوسطی است که هر روز برای کار، به شهر می‌روند.

✓ در سال ۱۹۲۵ توسط ارنست بورگس مطرح شد.

نظریه شهر قطاعی و نظریه شهر چند هسته‌ای:

✓ هر دو نظریه، الگوهای استفاده از زمین را تشریح می‌کنند.

✓ هویت، زمین را به جای منطقه، به قطاع تقسیم کرد و هاریس و اولمن، نظریه شهر چند هسته‌ای را ارائه کردند.

✓ هویت، در نظریه شهر قطاعی فرض کرد که شهرها از قطاع‌هایی که پیرامون مرکز آن توسعه می‌یابند، تشکیل شده است و هر قطاع به طور جداگانه، به مسکن، امور تجاری، تفریحی و صنعتی اختصاص می‌یابد.

✓ هاریس و اولمن در نظریه شهر چند هسته‌ای فرض کردند که شهرها دارای نواحی اختصاصی است که هریک، برای خود هسته‌ای دارد. هسته هر منطقه صرف‌نظر از اختصاصی بودن آن، بر رشد و توسعه مناطق پیرامون خود موثر است.

فرآیندهای عمده بوم‌شناختی در مناطق شهری:

۱. تراکم: تجمع مردم و تسهیلات در یک فضای جغرافیایی به نسبت کوچک.

۲. تمرکز: گردآوردن افرادی که کارکردهای اقتصادی و خدماتی لازم را در یک منطقه بر عهده دارند.

۳. عدم تمرکز (پراکندگی): مردم و تسهیلات در یک ناحیه وسیع.

۴. جدایی گروهی: تجمع مردمی دارای ویژگی‌های خاص فیزیکی و فرهنگی مشترک در نواحی کوچک.

۵. هجوم: زمانی رخ می‌دهد که یک گروه جدید در منطقه‌ای که قبلاً در اشغال گروه دیگری بوده است، اسکان می‌یابد.

شهرستان‌ها (از دیدگاه جامعه‌شناختی): مکانی است میان شهر مرکزی و اجتماعی.

✓ دارای هر دو ویژگی اجتماع شهری و روستایی هستند.

✓ از آنجا که به لحاظ حجم، نسبتاً کوچک است، بسیاری از ساکنان آن، شخصا یکدیگر را می‌شناسند و روابط غیررسمی باهم برقرار می‌سازند.

✓ اغلب، اقتصاد شهرستان غیرروستایی بوده و به مرکز شهر بزرگ شباهت دارد.

همگرایی اجتماع روستایی و شهری: بسیاری از ویژگی‌ها، کالاها و سبک‌های زندگی مراکز شهرهای بزرگ، در حال شکل یافتن در اجتماع روستایی است به دلیل حمل و نقل و رسانه‌های ارتباطی.

رشد حومه‌ها و فروپاشی شهر:

✓ طبقه متوسط به رها کردن شهر و نقل مکان به حومه‌ها گرایش دارند.

✓ طبقات پایین به دلایل اقتصادی در داخل شهر باقی می‌مانند چون استطاعت مالی کافی برای نوسازی خانه‌هایشان نداشته و در نتیجه، ساختمان‌های این مناطق فرسوده می‌شوند، تجارت افت کرده و مراقبت‌های بهداشتی کاهش می‌یابد.

فصل هفدهم: رفتار جمعی

رفتار جمعی: عبارت است از الگوهای رفتاری بی‌ساختار، خودانگیخته، هیجانی و پیش‌بینی‌ناپذیر. ✓
هنگامی رخ می‌دهد که روش‌های مرسوم و سنتی برای اداره امور، مناسب و کافی نباشد.

جمع: گروهی که در رفتار جمعی شرکت می‌کند.

✓ جمع گروهی موقتی، بی‌ساختار و بدون تقسیم نقش رسمی است و سلسله مراتب قدرت در آن وجود ندارد.

◀ رفتار جمعی، برعکس رفتار عادی روزانه که کاملاً براساس الگو و پیش‌بینی‌پذیر است، خودانگیخته، هیجانی و پیش‌بینی‌ناپذیر است.

◀ افرادی که دچار رفتار جمعی می‌شوند، ممکن است دچار فعالیت‌هایی نظیر شورش، هوس اجتماعی، پیروی از مد و جنون جمعی شوند.

عوامل تعیین کننده رفتار جمعی (از نظر اسملسر):

۱. **زمینه ساختاری:** ساختار جامعه باید به گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی، در آن به وقوع بپیوندد.

۲. **فشار ساختاری:** هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم اغلب برای یافتن راه حلی پذیرفتنی، به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند.

۳. **باور تعمیم یافته:** قبل از پیدا شدن راه حل دسته جمعی برای یک مسئله، باید همه بپذیرند که چنین مسئله‌ای وجود دارد.

۴. **عوامل شتاب‌دهنده:** برای ظهور رفتار جمعی، ابتدا باید رویداد مهمی، افراد را به واکنش جمعی وا دارد.

✓ این رویداد خاص اغلب با شایعه، مبالغه آمیز می‌شود و در نتیجه، به صورت چشمگیرتری جلوه می‌کند.

۵. **بسیج برای اقدام:** هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد، گروه، برای اقدام بسیج می‌شود.

✓ این سازمان که اعضای آن با شتاب گرد آمده‌اند، بسیار بی‌ساختار است و بافت منسجمی ندارد.

۶. **عملیات کنترل اجتماعی:** موفقیت یا عدم موفقیت تلاش‌های جمعی افراد، عمدتاً به موفقیت یا شکست مکانیسم‌های کنترل اجتماعی در جامعه بستگی دارد.

✓ مکانیسم کنترل اجتماعی از جمله پلیس و نیروهای انتظامی، دولت و رسانه‌های همگانی با هم، نتیجه رفتار اجتماعی را تعیین می‌کنند.

نظریه سرایت (واگیری) اجتماعی: هنگامی که جماعتی تشکیل می‌شود، واکنش هیجانی از یک شخص به شخص دیگر گسترش می‌یابد و حتی به جایی می‌رسد که هویت شخصی و خویش‌انداری فردی از میان می‌رود.

ویژگی اعضای جماعت که باعث از بین رفتن خویش‌انداری و هویت شخصی آنان می‌شود:

۱. **گمنامی:**

✓ غالباً بی‌نام بوده و همدیگر را نمی‌شناسند. بی‌نامی، ناشناس ماندن و شناخت شخصی نداشتن از افراد دیگر جماعت، به ویژه در تظاهرات خیابانی و راهپیمایی‌ها مشاهده می‌شود.

✓ در جماعت، احساس مسئولیت شخص به دلیل گمنامی، کاهش می‌یابد و حالتی که مرتکب می‌شود، بدون تفکر است.

۲. در هم شکستن فردیت:

✓ هویت شخص، تحت‌الشعاع جماعت قرار گرفته و چنان از خود، بی‌خود می‌شود که موقتاً، از مقتضیات خصوصی خود غافل می‌شود که این فرآیند، اقتضای طبیعت جماعت است.

۳. تلقین‌پذیری:

✓ به دلیل فقدان رهبری تثبیت شده، الگوهای رفتاری مقبول و مسئولیت فردی، بیشتر براساس تلقین عمل می‌کنند.

✓ اگر تلقین آمرانه و با قاطعیت بیان شود، اثر آن بر اعضای جماعت، بیشتر خواهد بود.

۴. سرایت (واگیری) اجتماعی:

✓ در حالت برانگیختگی و هیجان جماعت، واکنش‌ها از شخصی به شخص دیگر سرایت می‌کند. بر این اساس، اعضای جماعت با شدتی فزاینده، رفتار یکدیگر را فرا می‌گیرند.

✓ هنگامی که همه اعضای جماعت تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند، حالت سرایت اجتماعی به اوج خود می‌رسد.

◀ اگر افراد نسبت به هم، انگیزش و واکنش نشان ندهند و شدت هیجانشان بالا نگیرد، هیچگونه رفتار جمعی صورت نمی‌گیرد.

◀ سرایت هیجانی در وضعیت‌های خاصی مثل مسابقات ورزشی، شورش‌ها، راهپیمایی‌ها، تظاهرات و نشست‌های سیاسی و مذهبی به وجود می‌آید.

شایعه: پیامی است که به طور وسیع، در میان افراد جامعه رد و بدل می‌شود اما معمولاً از واقعیت به دور است.

✓ مردم به هنگام اشتیاق افراد به کسب اطلاعات و عدم وجود اطلاعات موثق، مستعد پذیرش شایعات هستند

✓ اگر پیش‌داوری‌های افراد را تایید یا نفرت آنان را توجیه کند، احتمال گسترش آن بیشتر است.

جماعت:

تعریف اول) گروهی از مردم که در یک جا گرد هم می‌آیند و با یکدیگر مرتبط هستند و به جنب و جوش می‌پردازند.

تعریف دوم) گروه متجانس موقتی است که به اقتضای وضع یا حادثه‌ای، خود به خود به وجود می‌آید و بر اثر کنش‌های متقابل، دارای رفتار مشترک می‌شود و به جنب و جوش می‌پردازد.

✓ علت گرد آمدن افراد، علاقه مشترک نسبت به موضوع، اندیشه، رویداد یا شخص خاصی می‌باشد.

انواع جماعت:

۱. **جماعت نمایشی:** جماعتی که مایل است احساسات مشترک اعضایش را به نحوی نسبتاً مهار شده بیان کند مانند تماشاچیان فوتبال یا شرکت‌کنندگان در یک گردهمایی سیاسی.

۲. جماعت فعال: برای ایجاد نوعی تغییر، واکنش‌های خود را متوجه هدف یا فرد خاصی می‌کند و برای رسیدن به هدف خود، به خشونت متوسل می‌شود مانند گروه تظاهر کننده، گروه آشوبگر لینچ کننده و گروه شورشی.

۳. جماعت آشوبگر (ناآرام): جماعتی لجام گسیخته که نه از درون مهار شده است و نه از بیرون که گاه از اوباش تشکیل می‌شود. ✓ کار این جماعت ناآرام، بلوا و اغتشاش است که توسط چند سردسته برانگیخته می‌شوند.

۴. جماعت شنونده – تماشاچی: جماعتی که با تصمیم قبلی برای حضور در یک مراسم، در محلی اجتماع می‌کنند. ✓ تحت تاثیر محرک‌های خارجی است.

✓ برخلاف جماعت آشوبگر که در یک اقدام مشترک شرکت دارند، جماعتی انفعالی و پذیرا هستند.

✓ گاهی به یک محرک مشترک، واکنش نشان داده که برحسب این واکنش، به جماعت شنونده – تماشاچی بیدار یا خفته، شدید یا آرام و تایید کننده یا تکذیب کننده طبقه بندی می‌شوند.

۵. جماعت شورشی: جماعتی که برای رسیدن به هدف خود خشونت به خرج می‌دهد، اموال عمومی را نابود می‌کند و افراد طرف مقابل را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.

۶. جماعت هراسان: جماعتی که بر اثر احساس ناشی از خطر، رفتار وحشت زده و بی‌هدفی از خود نشان می‌دهد. هراس، به سرعت همه ذهن جماعت را فرا گرفته و آنان را به تلاش‌های بیهوده و دیوانه‌وار بر می‌انگیزد. ✓ وحشت، سراسیمگی و نبود رهبری موثر، از مشخصه‌های این جماعت است.

عامه (جماعت نامجاور): برای مقوله‌ای از افراد به کار برده می‌شود که نگرانی مشترکی نسبت به یک مسئله تهدیدکننده دارند مانند عامه ورزشکار، سینما رو، کتابخوان، سیاسی، سهامداران یک شرکت و ...

✓ جمعی است کم‌متجانس، مرکب از افرادی که گاهی در یک جا گرد می‌آیند و گاه پراکنده می‌شوند و به سبب منافع یا مصالح مشترک خود، با یکدیگر ارتباط دارند و عقیده و وفاق عمومی را به وجود می‌آورند. ✓ جمعی مستقل به شمار می‌رود.

✓ علاوه بر عواطف مشترک پایدار، جنبه ادراکی نیرومندی دارند و بر اثر بحث و انتقاد، به عقیده و وفاق عمومی می‌رسند.

✓ به علت منافع و مصالح مشترک و نسبتاً پایدار، بیشتر از جماعت‌های دیگر دوام می‌آورند.

✓ به علت ضعف عاطفی حاکم بر جماعت، تجانس آن ضعیف است.

تبلیغات: عبارت است از دستکاری و کشاندن افکار عمومی در جهت یک هدف و نظر خاص با به کارگیری وسایلی مانند زبان، خط، تصویر و غیره.

✓ در ارشاد، مفاهیم دقیق و روشنی در اختیار شخص قرار می‌گیرد اما در تبلیغات، حقیقت با دروغ آمیخته می‌شود.

✓ هدف تبلیغات، انگیختن عواطف و آماده کردن مردم برای عقایدی معین است. بنابراین تبلیغات اغلب روی موضوعاتی است که مردم مشتاق یا از آن بیمناکند.

اثر بخشی تبلیغات: هنگامی به خوبی موثر واقع می‌شود که با مسائلی که از اهمیت حاد و آنی برخوردارند، سر و کار داشته باشید.

✓ افراد دارای تحصیلات پایین، در برابر تبلیغات آسیب‌پذیرند به خصوص تبلیغاتی که با ارزش‌ها، احساسات و باورهایشان سازگار باشد.

✓ اثربخشی تبلیغات به هنگام وجود تبلیغات متقابل، زیرسوال بودن اعتبار تبلیغ کننده یا تشخیص مخاطب از درست و نادرست بودن تبلیغ، کاهش می‌یابد.

هوس و مد:

✓ هوس (رسم دروغین) به تغییر زودگذر در رفتار اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، مد اجتماعی پر شور و زودگذر را هوس اجتماعی می‌گویند مثل نحوه سیگار کشیدن یک بازیگر یا بکار بردن برخی واژه‌های ابداعی توسط دیگران.

✓ هوس به سرعت پا می‌گیرد، به اوج خود می‌رسد و به سرعت افول می‌کند.

✓ مد نماینده شیوه رفتاری است که تنها به طور دوره‌ای در معرض تغییر قرار دارد مثل سبک لباس، ظاهر و ...

✓ تغییر در مد نسبت به تغییر در هوس، مدت و سرعت کمتری دارد.

جنون جمعی: الگوی نامتعارف رفتاری است که شمار کوچکی از مردم، در یک دوره زمانی کوتاه از خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر، شیدایی جمعی، هوس جمعی پر دوامی است که با عواطف عمیقی آمیخته است مثل میل شدید به حل کردن جدول، گوش دادن به موسیقی و تماشای فیلم‌های یک جشنواره.

✓ بخش اعظم مردم، جنون جمعی را رفتاری غیرمعمول می‌دانند.

هیستری جمعی: هنگامی که گروهی از افراد کنترل خود را از دست می‌دهند و دست به رفتارهای هیجانی و غیرمنطقی می‌زنند.

✓ امکان رفتار منطقی از افراد سلب شده و دچار هراس می‌شوند و بنابراین، رفتار غیرمنطقی یکدیگر را تقویت می‌کنند.

فصل هجدهم: روابط نژادی و قومی

نژاد: گروهی از افراد که در طول نسل‌های متوالی، ویژگی‌های مشترک جسمی یا زیستی خود را حفظ کرده‌اند.

نژادهای عمومی:

۱. نژاد سفید یا قفقازی

۲. نژاد سیاه یا زنگی

۳. نژاد زرد یا مغولی

گروه قومی: گروهی است که اعضای آن، ویژگی‌های فرهنگی یکسانی از قبیل دین، زبان و ملیت دارند.

✓ تفاوت گروه‌های نژادی و قومی در این است که گروه‌های نژادی از نظر جسمی باهم مشابهت دارند اما گروه‌های قومی، الزاماً از نظر جسمی وجوه مشترک ندارند، بلکه دارای ویژگی‌های فرهنگی یکسانی هستند.

گروه‌های اقلیت: مجموعه‌ای از افراد است که با اکثریت اعضای جامعه خود تفاوت‌هایی داشته باشند.

✓ اعضای گروه‌های اقلیت معمولاً از امکانات اعضای گروه اکثریت، محروم هستند.

✓ گروه‌های اقلیت معمولاً از لحاظ نژاد، دین، ملیت و زبان از گروه اکثریت متمایز می‌شوند.

✓ موقعیت‌های اقتصادی و شغلی نیز گروهی از اعضای جامعه را به صورت اقلیت در می‌آورد مثل اقلیت‌های کولی‌ها یا آلونک‌نشین‌ها.

نژادپرستی: باوری است که برحسب آن، یک گروه نژادی، خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند.

✓ این واکنش همسان با گرایش‌های قوم‌مدارانه اکثر گروه‌هایی است که آداب و رسوم، قیافه ظاهری و شیوه زندگی خود را برتر از همه گروه‌های دیگر می‌دانند.

تصورات قالبی: باورهای تعمیم‌یافته‌ای است که در مورد برخی از اقلیت‌های مذهبی، نژادی و قومی ساخته و پرداخته می‌شود.

✓ اعضای این اقلیت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری خاص و از پیش تعیین شده‌ای از خود نشان می‌دهند که در برابر استدلال مخالف، سخت مقاومت می‌کنند و فردی که دچار تصورات قالبی است، همواره دچار تعصب می‌شود.

پیش‌داوری: وجهه‌نظر یا احساس شخص نسبت به اعضای یک گروه اقلیت است.

✓ پیش‌داوری یعنی قضاوت کردن. بنابراین، فردی که پیش‌داوری می‌کند، مفروضات خاصی را درباره یک عضو اقلیت در سر دارد.

تبعیض: الگوی رفتاری آشکار که علیه یک گروه اقلیت صورت می‌گیرد.

تبعیض علیه اقلیت‌ها: ممکن است گروه‌های مسلط در یک جامعه معین برای جلوگیری از بهره‌مند شدن آزادانه و برابر گروه‌های اقلیت از مزایای اجتماعی، به وسایل گوناگونی متوسل شوند مانند:

۱. نابودی یا معدوم کردن: فرآیندی که در آن، اعضای یک گروه اقلیت به دست گروه مسلط، عمداً به قتل می‌رسند.

- ✓ هنگامی که این فرآیند بر ضد یک گروه اقلیت قومی صورت گیرد، به آن قوم‌کشی می‌گویند.
- ✓ کشتار سرخپوستان و سیاهپوستان آمریکایی توسط سفیدپوستان، قتل عام یهودیان توسط نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و کشتار هندی‌های مقیم اوگاندا توسط ایدی امین از این نمونه هستند.

۲. بیرون راندن: هنگامی که گروه مسلط، سرزمین گروه ضعیف‌تر را به زور غصب می‌کنند و گروه اقلیت را مجبور به زندگی کردن در یک منطقه جغرافیایی نامطلوب می‌کند.

- ✓ بیرون راندن سرخپوستان از سرزمین‌شان توسط سفیدپوستان مهاجر و بیرون راندن اعراب فلسطینی توسط یهودیان از این نمونه هستند.

۳. جداسازی: هنگامی رخ می‌دهد که گروه مسلط، گروه‌های نژادی، دینی یا قومی دیگر را به زیستن در مناطق مسکونی جدا از محل سکونت گروه مسلط وا می‌دارد.

- ✓ مردم این مناطق غالباً از تسهیلاتی مانند مدرسه، بیمارستان، هتل یا اتوبوس محروم بوده و کیفیت خانه‌ها بسیار پایین‌تر از آنهایی است که گروه مسلط بهره‌برداری می‌کند.

ادغام اقلیت‌ها در جامعه:

۱. همانندسازی: ادغام کامل دو فرهنگ مختلف که غالباً از طریق ازدواج متقابل، به یک فرهنگ و هویت است که شامل ویژگی‌های هر دو فرهنگ باشند.

۲. اختلاط: ازدواج میان گروه‌های نژادی مختلف است که نتیجه آن، ظهور نوع جدیدی از افراد با ویژگی‌های جسمی منحصر به فرد است.

۳. چندگرایی فرهنگی: به شکلی از انطباق اطلاق می‌شود که گروه‌های نژادی و قومی مختلف، در کنار هم زندگی می‌کنند و در حالی که هر قوم یا نژاد، آداب و رسوم خود را حفظ می‌کند شیوه زندگی اقوام دیگر را نیز می‌پذیرد.

۴. هم‌گونگی: نوعی ترتیب اجتماعی است که گروه‌های مسلط و اقلیت، در آرامش و هماهنگی کنار هم زندگی می‌کنند به طوری که همه گروه‌ها به طور یکسان، حق دسترسی به نهادهای سیاسی، مذهبی، اقتصادی و آموزشی را دارند.

واکنش‌های گروه اقلیت: گروه‌های اقلیت به شیوه‌های گوناگونی به سلطه‌گری و تبعیضی که علیه آنان در جامعه صورت می‌گیرد، واکنش نشان می‌دهند که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱. فرهنگ‌پذیری:** فرهنگ و سبک زندگی مسلط، توسط گروه اقلیت پذیرفته شده و آن را اقتباس می‌کند.
- ۲. خود جداسازی:** گروه اقلیت از طریق جداسازی داوطلبانه، خود را از بقیه جامعه جدا می‌کنند تا بتوانند برای خود تسهیلاتی به وجود آورند و در عین حال، رسوم خود را حفظ کنند.
- ۳. جدایی‌طلبی:** گروه اقلیت از این طریق، جامعه جدیدی ایجاد می‌کند که غالباً با ایجاد مرز، از دیگر جوامع جدا می‌شود.
- ۴. ایجاد سازمان‌ها:** ممکن است گروه اقلیت از طریق ایجاد سازمان‌هایی که اهداف خاص اقلیت را دنبال می‌کنند، تغییراتی را در جامعه به وجود می‌آورد.

تغییر روابط میان گروه‌های نژادی و قومی:

۱. **تغییرات برنامه‌ریزی شده:** تغییراتی که از پیش دقیقاً تدوین و مقرر شده است.
✓ تصویب قوانین برای منع تبعیض علیه گروه‌های اقلیت، از این نمونه است.
۲. **تغییرات خود به خودی:** تغییرات برنامه‌ریزی نشده‌اند که در سیر طبیعی حوادث به وقوع می‌پیوندند.
✓ از بین رفتن قالب‌های ذهنی سنتی بر ضد گروه اقلیت به هنگام برخورد روزمره در محل کار و زندگی از این نمونه است.

فصل نوزدهم: سازمان‌های رسمی

سازمان رسمی: متشکل از گروه‌هایی از افراد و نه نظام‌های هنجاری و ارزشی که تلاش‌های خود را برای دستیابی به هدف تعریف شده و کامل مشخصی هماهنگ می‌کنند. دولت، ارتش، بانک و دانشگاه، از نمونه‌های سازمان‌های رسمی هستند.

✓ نسبتاً وسیع بوده و دارای قوانین و مقررات معین و سلسله مراتب مشخصی از اقتدار و مسئولیت هستند.

دیوان‌سالاری: سلسله مراتبی از قدرت و مسئولیت است که سازمان رسمی برای هماهنگی فعالیت‌ها و دستیابی به هدف‌های تعیین شده خود، آن را به کار می‌گیرد.

سازمان ساختمان و سازمان کمتر ساختمان (منعطف):

- ✓ تفاوت اصلی، به میزان خودمختاری در این دو نوع سازمان بستگی دارد.
- ✓ در سازمان بشدت ساختمان، اعضا باید از مقررات جاری سازمان بی‌چون و چرا پیروی کنند.
- ✓ مقررات در سازمان بشدت ساختمان توسط مدیران تهیه و تنظیم می‌شود و به اجرا در می‌آورند.
- ✓ در سازمان کمتر ساختمان، افراد اجازه دارند سلیقه شخصی خود را در کارهایشان دخالت داده و گاهی اوقات از دستورالعمل‌های سازمان سرپیچی کنند.
- ✓ در سازمان کمتر ساختمان، بسیاری از اعضا در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند.
- ✓ اکثر دانشگاه‌های بزرگ دولتی، نمونه‌ای از سازمان بشدت ساختمان هستند.

سازمان بوروکراتیک (دیوان‌سالارانه):

- ✓ از مشخصه‌های جوامع وسیع و نیرومند قرن بیستم است.
- ✓ امپراتوری روم تنها با ساختار پیچیده دیوان‌سالاری می‌توانست اداره شود.

ویژگی‌های دیوان‌سالاری:

۱. **تخصصی شدن کارها:** هر شخص، وظیفه معینی را که بر عهده او گذاشته شده است انجام می‌دهد.
۲. **سلسله مراتب:** هر مقام در سلسله مراتب سازمانی، مسئولیت‌ها و وظایف و نیز امتیازات معینی دارد و فرقر، باید فعالیت‌های خود را بی‌درنگ به شخص بالاتر از خود گزارش دهد.
- ✓ میزان اقتدار، به سمت شخص بستگی دارد نه به خود شخص.
۳. **رفتار غیرشخصی:** حکم و مرتبه سازمانی براساس سمتی که دارند، تعیین می‌شود. برای همه کارکنان با سمت یا پایگاه یکسان در دستگاه اداری، حکم و رتبه اداری یکسانی صادر می‌شود.
۴. **صلاحیت‌های فنی و شایستگی:** هیچ متقاضی استخدام، بدون داشتن حداقل شرایط لازم برای سمتی که درخواست آن را پر کرده است، استخدام نمی‌شود.
۵. **آیین‌نامه‌ها و مقررات:** فعالیت‌های سازمان رسمی و کارکنان آن، تابع مجموعه‌ای از آیین‌نامه‌ها و مقررات و ضوابط مشخص است.

مزایای دیوان‌سالاری (ماکس وبر):

- ✓ ابزار کارآمدی برای نیل به هدف‌های سازمان است.
- ✓ کارکرد کارکنان سازمان را به حداکثر می‌رساند.
- ✓ از تداخل روابط شخصی کارکنان در فعالیت‌های سازمان جلوگیری می‌کند.
- ✓ از هدر رفتن پول و وقت جلوگیری می‌کند.
- ✓ ویژگی‌های دیوان‌سالاری ماکس وبر، یک الگوی آرمانی از دیوان‌سالاری محسوب می‌شود.

ویژگی درونی سازمان‌های رسمی:

- ✓ الگوهای ارتباطات مشخص
- ✓ اعمال انضباط به صورت رسمی
- ✓ انتصاب افراد متخصص
- ✓ کاربرد آیین‌نامه‌های مربوط به تشویق و تنبیه کارکنان
- ✓ مزیت عمده ساختار غیررسمی این است که چنین ساختاری، انعطاف پذیر بوده و کارکنان، خود را با موقعیت‌های متغیر تطبیق می‌دهند و برای انجام برخی از امور، به انتظار دستور مقامات بالاتر نمی‌نشینند و وقت را تلف نمی‌کنند.
- ✓ روحیه کاری در سازمان‌های رسمی ضعیف است چون کسانی که در پایین‌ترین سطح سلسله مراتب قرار دارند، احساس می‌کنند که آنان را از فرآیند تصمیم‌گیری حذف کرده‌اند.

رهبری آمرانه و رهبری دموکراتیک:

- ✓ در رهبری آمرانه، اختیار و قدرت در انحصار گروه نخبگان سازمان یا بالاترین سطح سلسله مراتب است.
- ✓ در رهبری دموکراتیک، کارکنان سطوح گوناگون اجازه دارند در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت کنند.
- ✓ عیب رهبری دموکراتیک این است که تصمیم‌گیری سریع و کارآمد در آن، غالباً دشوار است.

الیگارش (حکومت متنفذان): زمانی به وجود می‌آید که یک گروه کوچک، بالاترین سمت‌های سازمان را اشغال می‌کند و مسئولیت همه تصمیم‌گیری‌ها را به عهده می‌گیرد.

- ✓ در همه سازمان‌های رسمی حتی سازمان‌هایی که با این نوع مدیریت مخالفند، رواج دارد.
- ✓ تاکید قانون آهنین الیگارش بر این است که گروه چندنفری از متنفذان یا خواص بتوانند در طولانی‌ترین زمان ممکن، سلطه خود را بر سازمان حفظ کرده و از هر شیوه‌ای برای ادامه سلطه خود استفاده کنند.
- ✓ رابرت میشلز، جامعه‌شناس آلمانی، برای الیگارش اعتبار و اهمیت قائل شده است.

مسائل رایج در سازمان دیوان سالار:

۱. **شخصیت دیوان سالارانه:** کارکنانی که چنین شخصیت دارند، غالباً انعطاف ناپذیر بوده و نمی توانند خود را با وضعیت جدید سازگار کنند. بدون مجموعه ای از آیین نامه ها نمی توانند به مسئله معینی پاسخ دهند و بدون توجه به تحولات، آیین نامه و مقررات را موثر اجرا می کنند.
۲. **اطاعت کورکورانه از مقررات:** در سازمان دیوان سالار، پیروی بی چون و چرا از مقررات، بیشتر از دستیابی به هدف اهمیت دارد. پیروی کورکورانه از مقررات، غالباً از نوآوری جلوگیری می کند و نمی گذارد کار، به نحو مطلوب و موثر انجام شود.
۳. **جابجایی هدفها:** اگر فردی که در درون نظام دیوان سالار کار می کند، اهداف سازمان را نادیده گرفته و اهداف شخصی مانند حفظ پایگاه خود یا شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت را جایگزین کند، دچار جابجایی اهداف شده است.
۴. **اخلاق حرفه ای:** غالباً افراد حرفه ای به اخلاق حرفه ای خود بیش از آیین نامه ها و مقررات سازمانی که در آن اشتغال دارند، وفادارند و ممکن است میان درخواست های کارفرما و پایبندی آنان به موازین اخلاقی حرفه شان، کشمکش شدیدی روی دهد.
- تغییر سازمانی:** اعمال تغییر در ساختار سازمان به هنگام رقابت با سازمان های دیگر، تحولات فناورانه جدید، فشار گروه های اجتماعی ذی نفع، اوضاع اقتصادی یا تغییرات در منافع یا ارزش های کل جامعه.

فصل بیستم: قدرت اجتماعی

قدرت اجتماعی: توانایی تاثیر بر اعمال و رفتار اطرافیان به نحو موثر و تحت کنترل در آوردن آن.

قدرت شخصی: توانایی تعیین مسیر زندگی و کمترین میزان تاثیر از خارج.

منابع قدرت:

۱. توانایی نگهداری و کنترل منابع مالی
۲. توانایی احراز یک سمت بلندپایه در حکومت
۳. توانایی ایجاد و حفظ شغل پر درآمد
۴. توانایی به دست آوردن قدرت سیاسی

شکل های اقتدار:

۱. **اقتدار قانونی و عقلایی:** ناشی از مقامی است که فرد، در اختیار دارد و تا زمانی که در این مقام باقی است، واجد آن است.
۲. **اقتدار سنتی:** مبتنی بر این باور است که شیوه های سنتی تفویض قدرت، مقدس هستند و ممکن است هم به سمت و هم به شخصی که آن سمت را اشغال کرده است واگذار شود.
۳. **اقتدار فرهمندانه:** مبتنی بر اقتدار بر کیفیت های شخصی از قبیل ویژگی ها و خصلت های شخصیتی افراد است. افراد منحصر به فردی که پیروان زیادی دارند، دارای اقتدار فرهمند هستند.

نفوذ: فردی که بدون داشتن یک سمت رسمی، می تواند بر رفتار دیگران تاثیر بگذارد و آنان را تغییر دهد.

✓ اقتدار از قدرت رسمی به وجود می آید و نفوذ از قدرت غیررسمی.

شناخت قدرت:

۱. **رهیافت اشتهازدی:** به کمک آن، جامعه شناس از معتبرترین افراد یک اجتماع خاص را که جمعیت محلی با آنها آشناست، شناسایی می کند و می پرسد که افراد صاحب قدرت در اجتماع، چه کسانی هستند.
۲. **رهیافت براساس موقعیت:** جامعه شناس باید فهرستی دقیق از افراد صاحب قدرت در اجتماع را در اختیار داشته باشد و مشخص کند که کدام یک از مقام ها برای بقای جامعه حیاتی است.
۳. **رهیافت تصمیم گیری:** مطالعه گروهی که در حال تصمیم گیری و مشاهده روابط متقابل درون گروهی آنان و اینکه چه کسی بیشترین قدرت را دارد.

کارکردهای حکومت:

۱. حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی
۲. تامین کالاهای اساسی و خدمات برای اعضای جامعه
۳. حفظ نظم در جامعه
۴. مجازات افرادی که در جامعه، مهمترین هنجارها را نقض می کنند

شکل های حکومت:

۱. **حکومت سلطنتی:** حکومتی که تنها یک فرد به نام شاه، بر آن حکمرانی می کند مثل عربستان، مراکش و اردن.

۲. **حکومت الیگارش:** حکومتی که گروه کوچکی از افراد متنفذ در آن فرمان می رانند مثل کشورهای آمریکای لاتین دهه ۷۰.

۳. **دموکراسی:** حکومتی که قاعداً باید از طرف نمایندگان همه ملت اداره شود مثل اکثر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی.

نخبگان: گروه کوچک و بسته ای که از توانایی ها یا مهارت های برتری برخوردار هستند.

✓ نخبگان به علت دارا بودن ثروت و تسلط بر رسانه های همگانی، می توانند از این قدرت استفاده کنند.

✓ نخبگان با کسانی که از نظر عناوین خانوادگی، مدارس، سازمان ها و وابستگی حزبی با آنان مشابه اند، هم نشینی می کنند.

قدرت دولت (کارل مارکس):

✓ صاحبان وسایل تولید (زمین، کارخانه، مواد خام)، دارندگان قدرت مسلط در جامعه هستند.

✓ کارگران در جامعه سرمایه داری، به سود بورژوازی استثمار می شوند.

✓ سرانجام در نظام سرمایه داری، کارگران (پرولتاریا) علیه صاحبان وسایل تولید (بورژوازی) نبرد می کنند و انقلاب، به

پیروزی کارگران منجر می شود و راه برای ایجاد جامعه بی طبقه هموار می شود.

نظریه کثرت گرایان: آنان اعتقاد دارند که قدرت باید در میان گروه های مختلف جامعه توزیع شود.

گروه های ذی نفع (ذی نفوذ): افراد یا سازمان هایی که هدف مشترکی دارند و تلاش می کنند از راه های سیاسی، اهداف خود را تحقق بخشند.

✓ این گروه ها مستقیماً در کسب قدرت و به کارگیری آن شرکت نمی کنند. بلکه خارج از آن باقی می مانند و بر آن فشار می آورند.

✓ این گروه ها در پی تایید دولتمردان هستند نه آن که رسماً زمامداران را از میان خود به قدرت برسانند.

متنفذین اجتماع: افرادی هستند که در زمینه رشد، برنامه ریزی و توسعه در اجتماع، بیشترین نفوذ را اعمال می کنند و

تصمیم گیری های مهم، بدون راهنمایی و حمایت این گروه مهم، محال است.

✓ این افراد، نوعاً مقام های مهمی را در سازمان های اجتماعی اشغال می کنند.

✓ مورد احترام افراد اجتماع هستند.

✓ سمت های حرفه ای در اختیار دارند.

✓ نسبت به اکثر افراد جامعه، از امکانات مالی بیشتری برخوردارند.

✓ رایج ترین روش شناخت آنان، رهیافت اشتهدادی است.

قدرت بالفعل: قدرتی است که به وسیله زور، نفوذ یا اقتدار بر دیگران اعمال می شود.

قدرت بالقوه: قدرتی است که برای تاثیرگذاری بر رفتار و اعمال دیگران در آینده به کار برده می شود.

فصل بیست و یکم: جنبش‌های اجتماعی

جنبش اجتماعی: هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان‌یافته‌ای درصدد بر می‌آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهد یا آنها را حفظ کند.

✓ جنبش اجتماعی، سازمان‌یافته‌تر و پایدارتر از رفتار جمعی است.

✓ تفاوت اصلی جنبش اجتماعی و نهاد، در این است که نهاد دارای تداوم است اما جنبش اجتماعی دوام کمتری دارد.

ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی:

۱. مشخص بودن اهداف:

✓ جنبش در صورتی موفق خواهد بود که برای مردم دقیقاً مشخص کند که به دنبال چه نوع تغییراتی در جامعه است.

۲. داشتن برنامه برای نیل به اهداف:

✓ برنامه‌های مختلفی مثل تحصن‌های بدون خشونت، تظاهرات آرام، تظاهرات خشونت‌آمیز، ترور و انهدام اموال دولتی را شامل می‌شود.

۳. ایدئولوژی:

✓ عامل گردآوری اعضای جنبش است زیرا نه تنها از وضع اجتماعی موجود انتقاد می‌کند، بلکه اهداف جنبش و روش نیل به آن اهداف را نیز مشخص می‌کند.

انواع جنبش‌های اجتماعی:

۱. **جنبش نمایشی:** هنگامی که افراد خود را در وضعیت مایوس‌کننده‌ای می‌بینند، این جنبش پدید می‌آید تا به مردم بگویند که بینش‌شان نسبت به یک واقعیت نامطلوب جامعه، تغییر یافته است.

✓ جنبش هیپی‌گری و جنبش‌های احیای مذهب از این نمونه هستند.

۲. **جنبش واپس‌گرا (ارتجاعی):** تلاش می‌کند تا جامعه را به وضعیت گذشته بازگرداند.

✓ افرادی که به این جنبش‌ها می‌پیوندند، از رویه‌های جاری اجتماعی ناراضی‌اند.

✓ جنبش‌های نژادپرستی از این نمونه هستند.

۳. **جنبش ترقی‌خواهانه:** تلاش می‌کند با ایجاد تغییرات مثبت در نهادها و سازمان‌ها، وضع جامعه را بهبود بخشد.

✓ جنبش‌های کارگری، جنبش‌های طرفدار آزادی اجتماعی و حفظ محیط زیست از این نمونه هستند.

۴. **جنبش محافظه‌کار:** مرکب از افرادی است که از وضعیت موجود راضی هستند و در برابر نوآوری‌ها مقاومت می‌کنند.

✓ افراد طرفدار این جنبش، وضعیت موجود جامعه را مطلوب‌ترین وضعیت می‌دانند.

۵. **جنبش اصلاح‌طلب:** تلاش می‌کند تا برخی از شئون جامعه را تغییر دهد بدون قصد دگرگون کردن کل جامعه.

✓ جنبش صلح سبز در اروپا، جنبش ضد تبعیض نژادی و جنبش سرخپوستان در امریکا از این نمونه هستند.

۶. جنبش انقلابی: خواستار تغییر سریع و بنیادی در جامعه است. هدف این جنبش، سرنگون کردن نظام حاکم و جایگزین ساختن یک نظام دیگر است.

✓ انقلاب روسیه، جنبش دهقانی در چین، جنبش نجات ملی در رومانی از این نمونه هستند.

۷. جنبش آرمان‌گرا: تلاشی است برای ایجاد محیط ایده‌آل برای گروه کوچک پیروان آن.

✓ گاهی به جنبش‌های انزوا طلب یا جدایی طلب اطلاق می‌شود.

✓ اجتماعات خودبسای روستایی و نمونه نخستین جامعه آزمایشی فردا از این نمونه هستند.

۸. جنبش کوچنده: افرادی که به این جنبش می‌پیوندند، از وضع موجود محیط زندگی‌شان ناراضی بوده و به امید زندگی و آینده روشن‌تر، از محل سکونت‌شان به مکانی دیگر نقل مکان می‌کنند.

✓ مهاجرت یهودیان سراسر جهان به اسرائیل از این نمونه است.

➤ جنبش برای موفقیت، نیاز به حمایت و وفاداری اعضا دارد که با استفاده از تبلیغات، سخنرانی، شعار، آرم جنبش و ایدئولوژی‌ها صورت می‌گیرد.

نقش رهبری فرهمند در جنبش:

✓ می‌تواند توده‌های مردم را در حمایت از آرمان‌ها و اهداف جنبش بسیج کند.

✓ ممکن است عضو طبقه‌ای باشد که می‌کوشد وضع خود را بهبود بخشد یا عضو طبقه ممتازتری باشد.

✓ کارکرد عمده رهبر، ایجاد شور و اشتیاق و برانگیختن هیجان پیروان و ترغیب آنان به وحدت است.

نقش رهبری اجرایی در جنبش:

✓ توجه رهبر اجرایی باید به اموری از قبیل سازماندهی جنبش، تفویض وظایف و مسئولیت‌ها، عضوگیری و تامین بودجه جنبش از طریق گردآوری اعانه و روابط عمومی معطوف باشد.

➤ در جنبش استقلال هند، گاندی یک رهبر فرهمند و نهرو یک رهبر اجرایی است.

➤ مالکوم ایکس و مارتین لوتر کینگ در جنبش حقوق مدنی سیاهپوستان آمریکا، از رهبران فرهمند آن بودند.

اهمیت رهبری:

✓ جنبش اجتماعی بدون وجود رهبری لایق، به موفقیت نائل نمی‌شود.

✓ نوع ایدئولوژی و طرح اقدام جنبش می‌تواند افراد غیر عضو را به عضویت در جنبش ترغیب کند.

✓ رهبری لایق، حس همبستگی را در جنبش تحکیم می‌بخشد و اعضا را از ارزش‌ها و اهداف مشترکشان آگاه و به آن علاقه‌مند می‌سازد.

➤ اگر اوضاع اجتماعی به گونه‌ای باشد که افراد احساس ناامنی، بی‌قراری، بی‌حوصلگی، تنهایی، بیگانگی و سرخوردگی کنند، برای رهایی از این مسائل، در جنبش‌های اجتماعی شرکت می‌کنند.

◀ هرگاه عواملی از قبیل نارضایتی وسیع، سرخوردگی، بی سامانی اجتماعی، ناامنی، بی هنجاری و از خود بیگانگی با بی عدالتی اجتماعی همراه گردد، انگیزه‌های پیوستن به جنبش اجتماعی شدت بیشتری می‌یابد.

مراحل جنبش اجتماعی (گتیز):

۱. **مرحله ناآرامی:** بر اثر کژکاری نظام حاکم، نارضایتی عمومی پدید می‌آید که ممکن است تداوم یابد و سال‌ها به درازا بکشد.
۲. **مرحله برانگیختگی:** پس از توجه همگان به عوامل پدیدآورنده ناآرامی، مردم گرد هم می‌آیند. سپس محرکان و رهبرانی از میان جمع قد علم می‌کنند و مردم را برمی‌انگیزند.
۳. **مرحله قالب‌ریزی:** یک ساختار سازمان‌یافته رسمی با سلسله مراتبی از مسئولان ظهور می‌کند. ✓ یکی از مهمترین کارکردهای این مرحله، این است که ایدئولوژی جنبش برای اعضای آن که اکنون نظم یافته است، روشن می‌گردد و دلیل نارضایتی اعضا، طرح اقدام به جنبش و اهداف آن به طور مشروح بیان می‌گردد.
۴. **مرحله نهادی شدن:** پس از جذب طرفداران و جلب حمایت مردم که منجر به موفقیت و نهادی شدن جنبش می‌گردد، نوعی دیوان‌سالاری در جنبش ایجاد شده و رهبری منضبط و حرفه‌ای جایگزین شخصیت‌های فرهمند پیشین می‌گردد.

فصل بیست و دوم: دگرگونی اجتماعی و فرهنگی

دگرگونی اجتماعی: هرگونه تغییر در ساختار یا سازمان اجتماعی.

✓ دگرگونی اجتماعی از دگرگونی فرهنگی که به وقوع تغییرات در فرهنگ جامعه اطلاق می‌شوند، متمایزند.

نظریه‌های دگرگونی اجتماعی:

۱. نظریه‌های تکاملی:

✓ بر این مبنا استوار است که جامعه، از شکل ابتدایی آغاز شده و به سوی شکل پیچیده اجتماعی تکامل یافته است.

✓ جوامعی که در مراحل پیشرفته‌تری قرار دارند، از جوامع دیگر پیشروترند.

✓ مبنایی قوم‌مدارانه دارد چون جامعه پیشرفته را برتر از جوامع گذشته تصویر می‌کند.

۲. نظریه دورانی:

✓ برخلاف نظریه تکاملی که حرکت جامعه را صعودی و به سوی پیشرفت می‌داند، بر این مبنا استوار است که جامعه، مراحل

گوناگونی را پشت سر می‌گذارد اما این مراحل، همواره تکرار می‌شوند و خط مستقیمی را طی می‌کنند.

۳. نظریه تعادل:

✓ جامعه از شماری از بخش‌های به هم پیوسته تشکیل شده که هر یک از این بخش‌ها، به کارایی جامعه کمک می‌کند.

✓ اگر دگرگونی اجتماعی یکی از بخش‌ها را مختل سازد، تعادل جامعه به هم می‌خورد و تغییرات بیشتری در بخش‌های دیگر

جامعه نیز رخ می‌دهد.

۴. نظریه کشمکش:

✓ جامعه، مجموعه‌ای از گروه‌هایی است که مدام با یکدیگر در حال کشمکش هستند.

✓ دگرگونی اجتماعی در کوران رقابت این گروه‌ها برای دستیابی به کالاها و منابع موجود روی می‌دهد.

✓ چون گروه‌های رقیب پیوسته می‌کوشند وضع موجود را تغییر دهند، جامعه در حالتی از بی‌ثباتی به سر می‌برد.

عواملی که دگرگونی فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

۱. عوامل جغرافیایی:

✓ عواملی نظیر بالا رفتن دمای هوا، طوفان و زلزله مردم را وادار می‌سازد سبک زندگی خود را تغییر دهند.

✓ وفور یا فقدان منابع طبیعی، در تعیین نوع زندگی مردم نقش بسزایی دارد.

۲. عوامل فناورانه:

۳. ایدئولوژی:

✓ ایدئولوژی‌ها ممکن است در خدمت حفظ وضع موجود باشند.

✓ اگر باورها و ارزش با دیگر نیازهای جامعه سازگار نباشند، خود، نیروی محرک دگرگونی می‌شوند.

۴. رهبری:

✓ دگرگونی اجتماعی را اغلب، رهبران فرهنگد آغاز می‌کنند زیرا می‌توانند عده بی‌شماری را به خود جلب کنند.

۵. جمعیت:

- ✓ رشد و کاهش شدید حجم جمعیت، عامل مهمی در ایجاد دگرگونی اجتماعی است.
- ✓ افزایش سریع جمعیت ممکن است موجب نوآوری در فنون سازنده شود.
- ✓ کاهش جمعیت باعث دگرگونی زیادی در سازمان اجتماعی به وجود می‌آورد تا جامعه بتواند در برابر دشمنان دفاع کند.

کندی آهنگ دگرگونی اجتماعی:

۱. جامعه، منابع انسانی و طبیعی لازم را برای ایجاد برخی دگرگونی‌ها در اختیار نداشته باشد.
 ۲. ارزش‌های جامعه، مخالف با دگرگونی مورد نظر باشد.
 ۳. صاحبان قدرت اقتصادی و سیاسی جامعه ممکن است دگرگونی را موجب تضعیف قدرت خود بدانند.
 ۴. اگر جامعه از جوامع دیگر جدا باشد، عناصر فرهنگی جدید در آن مطرح نخواهد شد.
- اشاعه:** عبارت است از رواج یافتن یک سبک زندگی جدید در جامعه که از یک فرهنگ خارجی اقتباس شده باشد.
- ابداع:** عبارت است از آفریدن چیزهای جدید، از ترکیب دو یا چند عنصر که در یک فرهنگ موجود است.

آثار نامطلوب دگرگونی اجتماعی:

۱. دگرگونی سریع ممکن است افراد را دچار بیگانگی، تنهایی و ناامیدی کند.
۲. دگرگونی ناگهانی می‌تواند فرد را دچار سردرگمی و ناامنی کند.
۳. اگر در جامعه تاخر فرهنگی (ناتوانی بخشی از فرهنگ از همگام شدن با دیگر بخش‌ها) باشد، ممکن است کل جامعه از هم گسیخته شود.
۴. دگرگونی اجتماعی، معمولاً مسائل اجتماعی را نیز به همراه دارد.

برنامه‌ریزی اجتماعی: تلاشی است که دانشمندان علوم اجتماعی برای راهنمایی و هدایت فرآیند دگرگونی اجتماعی به خرج می‌دهند تا این دگرگونی‌ها، حتی‌الامکان برای جامعه مفید واقع شود.